

حکم کفار

از نظر طهارت و نجاست

تالیف

سید رضی حیدر زیدی

مصحح

سید غلامرضا رضوی چھولسی

حکم کفار
از نظر طهارت و نجاست

سید رضی حیدرزیدی

حکم کفار

از نظر طهارت و نجاست

نویسنده: سید رضی حیدر پهنڈیڑوی

مصحح: سید غافر رضوی چھولسی

ناشر: پیغام دین فاؤنڈیشن

مشخصات کتاب

نام کتاب :	حکم کفار (از نظر طهارت و نجاست)
نویسنده :	سید رضی حیدر پهنڈیڑوی
مصحح :	سید غافر رضوی چھولسی
ناشر :	پیغام دین فاؤنڈیشن

جملہ حقوق طبع بحق نویسندہ و ناشر محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم و اهداء

تقدیم به وارث انبیاء(ع) محافظ دین و شریعت
حضرت محمد مصطفی(ص)
قال رسول الله(ص) "حسین منی و انا من الحسین"
حضرت امام حسین(ع) و اصحاب و انصار آنحضرت که
خودشان در کربلا شهید شدند ولی اسلام را حیات جاودانی
بخشیدند.

فهرست مطالب

تقدیم و اهداء	۵
فهرست مطالب	۷
مقدمه	۱۳
چکیده	۱۷
فصل اول: مفاهیم و کلیات	۲۳
گفتار اول: مفاهیم، مفهوم کفر و کافر	۲۳
مفهوم کفر در لغت	۲۳
مفهوم کفر در قرآن	۲۴
انکار اصول دین	۲۴
انکار توحید و یگانگی خدا	۲۵
انکار رسالت حضرت محمد(ص)	۲۶
انکار طاغوت	۲۶
کفران نعمت	۲۷
ترک فرائض و وظائف دینی	۲۸
ارتکاب معصیت	۲۸
بیزاری و براءت	۲۹
کشاورزی	۳۱
مفهوم کفر در کلام معصوم	۳۱
کفر جحود به معنای انکار ربوبیت خداوند	۳۲
معنای دیگر انکار آگاهانه است	۳۲

فهرست مطالب..... ۸

کفران نعمت	۳۲
ترک آن چه را که خداوند بدان امر کرده	۳۳
برائت و بیزاری	۳۳
مفهوم کفر و کافر در اصطلاح فقه شیعه	۳۴
منکران خداوند مادیون	۳۴
مشرکان	۳۴
پیروان دیگر ادیان آسمانی مثل اهل کتاب	۳۴
منکران ضروریات دین	۳۵
منکران امامت	۳۵
گفتار دوم کلیات: اقسام کافر و افراد ملحق به آن	۳۸
مادیون	۳۸
مشرکین	۴۱
معنای شرک از نظر لغت	۴۱
اقسام و مراتب مختلف شرک در قرآن و روایات	۴۴
شرک در آفرینش	۴۴
شرک در ربوبیت و تدبیر	۴۶
شرک در عبادت	۴۸
شرک در نیت	۴۹
شرک در اطاعت	۵۰
مصادیق شرک و آئین های شرک آلود	۵۳
مشرکین عصر نزول وحی و بعثت پیامبر اکرم (ص)	۵۳
گروهی از مسیحیان	۵۴
گروهی از زرتشتیان	۵۴
گروهی از مفوضه	۵۴
صابئین قدیم	۵۵

فهرست مطالب ۹

۵۵	چینیان قدیم
۵۵	مصریان قدیم
۵۵	ایرانیان قدیم
۵۶	رومیان قدیم
۵۶	یونانیان قدیم
۵۷	توتم پرستی
۵۷	طرفداران و معتقدان مثل افلاطونی
	معتقدان به عقول طولی افلاک نه گانه و عقول عرضی انواع
۵۷	موجودات در فلسفه قدیم
۵۷	هندوئیسم
۵۸	خدایان هندوان
۵۹	شاخه های مهم هندوئیسم
۵۹	آئین جایی
۶۰	بودئیسم
۶۱	بنیانگذار آئین بودا
۶۲	فرقه های بودائی
۶۲	مهایانا
۶۲	هینایانا
۶۲	وجریانا
۶۲	آئین سیکها
۶۲	تعالیم سیکها
۶۳	آئین کنفوسیون
۶۴	تاتوئیسم
۶۴	آئین شینتو
۶۵	اهل کتاب

فهرست مطالب ۱۰

۶۶ مجوس
۷۱ یهود
۷۱ مسیحیت
۷۲ زرتشتیان
۷۳ صابئین
۷۴ فرقه‌های محکوم به کفر
۷۴ منکران ضروری دین
۷۴ خوارج
۷۵ نواصب
۷۵ غلات
۷۷ فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست
۷۹ گفتار اول: کفاری که نجاست آنها قطعی است
۸۰ مستندات نجاست مشرکان
۸۰ ادله قرآنی بر نجاست مشرکان
۸۴ دلالت روایات بر نجاست مشرکان
۸۵ ادله اجماع بر نجاست مشرکان
 حکم نجاست و طهارت ملحدین، ماتریالیست ها ، زنداچه
۹۳ و منکرین اصل دین یا خدا
۹۴ دلایل نجاست ملحدین و مادیون
۹۸ حکم طهارت و نجاست نواصب
۱۰۳ گفتار دوم: کفاری که نجاست آنها اختلافی است
۱۰۳ فتاوا و نظریات فقیهان شیعه
۱۰۵ دلائل قائلین به نجاست اهل کتاب
۱۰۵ دلیل اول آیات
۱۰۸ دلیل دوم روایات

فهرست مطالب ۱۱

۱۱۴	دلیل سوم اجماع
۱۱۹	فقه‌های قائلین به طهارت اهل کتاب
۱۲۹	ادله قائلین به طهارت اهل کتاب
۱۲۹	دلیل اول آیات
۱۳۱	دلیل دوم احادیث
۱۳۸	دلیل سوم قاعده طهارت
۱۴۱	خاتمه و جمع بندی
۱۴۳	منابع و مأخذ

کله مقدمه:

حمد و سپاس خدائی را که روح خود را از ازل در انسان دمید.^۱ تا هر مولودی بر فطرت و عشق او متولد شود.^۲ آفرینش جسم آدمی را از گل به فرشتگان وعده داد.^۳ و در نهایت پیکرش را از دو عنصر پاک، بلکه پاک کننده، آب.^۴ و خاک.^۵ آفرید آن هم نه بادی ناپاک، بلکه بدست برترین شخصی طبقه پاکان مخلوقات عالم که حتی لحظه ای آلوده به گناه نشده اند.^۶ او مژده برگزیدگی آدم به مقام خلافت را به همه ملائک اعلام نمود.^۷ و وی را "پدر" همه انسانهای مومن و کافر بود مسجود ملائک ساخت.^۸ و بدین سان تاج کرامت را بر تارک آدمی زادگان نهاد.^۹

در این میان گرچه برخی از آنان نور برگرفته از آن سر چشمه نور آسمانها و زمین.^{۱۰} را با ظلمت اعتقادات شرک آمیز خویش آمیختند.^{۱۱} و بدین جهت از قله رفیع انسانیت به حوض حیوانیت، بلکه پست تر از آن سقوط کردند.^{۱۲} و

۱. سوره سجده، آیه ۹.

۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۷.

۳. سوره، ص آیه ۷۱.

۴. سوره انبیا، آیه ۳۰.

۵. سوره غافر، آیه ۶۷.

۶. سوره تحریم، آیه ۶.

۷. سوره بقره، آیه ۳۰.

۸. سوره طه، آیه ۶.

۹. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۱۰. سوره نور، آیه ۳۵.

۱۱. سوره بقره، آیه ۲۵۷.

۱۲. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

روح شان آلوده به شرک و پلیدی و نجاست باطنی گشت.^۱ تحقیق پیش روی شما، به موضوع حکم کفار از نظر طهارت و نجاست از نگاه اساسی ترین منبع معارف اسلامی، یعنی قرآن کریم و از مفسر قرآن، یعنی احادیث معصومین: و نظریات فقهاء پرداخته است. ما در این پژوهش، اجمالا مفهوم کفر و کافر از نظر لغت و اصطلاح و اقسام کفار و احکام آنرا بیان کردیم، و سپس به پاسخ این پرسش پرداختیم که: حکم کفار از نظر نجاست و طهارت چیست؟

در بسیاری از کشورها که مسلمانان با کفار معاشرت می کنند لباس و بدن و غذای مسلمانان اتصال و ارتباط با کفار پیدا می کند که اگر حکم به طهارت و نجاست کفار را در نظر بگیریم سوال بسیا مهمی برای ما مطرح می شود که در زندگی مسلمانان و عبادتهای ما نقش اساسی دارد و آن سوال اینست کفار پاک یا نجس می باشند دلیل حکم چیست ؟ با توجه به اختلاف طبیعی مسلمانان هند با کفار موجود در آن کشور و لزوم شرعی رعایت احکام طهارت و نجاست در زندگی و عبادت مسلمانان بسیار ضروری است که در حکم کفار از جهت طهارت و نجاست تحقیق فقهی مستقل صورت بگیرد بخصوص اینکه اظهار علنی این حکم که کافر نجس است موجب گفتاری برای مسلمین می باشد.

مسلمانان هندوستان ضرورت ارتباط اجتماعی با همه طبقات جامعه بشری دارند در آنها مساله نجاست و لزوم اجتناب از آنها مشکلی است لذا این تحقیق در صدد راهنمایی و راه گشائی آنها می باشد که کافر از نظر فقه

شیعه نجاست ذاتی دارد یا نه؟

راجع به پژوهش حاضر که تحت عنوان حکم کفار از نظر نجاست و طهارت از نظر پیشینه تا آن جایی که بنده اطلاع دارم و به تبع پرداخته ام، بحث جداگانه و مستقلاً از سوی اندیشمندان و پژوهشگران که تحت این عنوان باشد صورت نگرفته است، ولی در لابلای کتب فقهی مطالب و مفاهیمی مطرح شده که می توان از آنها به عنوان پیشینه عام تحقیق یاد نمود و از آنها در تدوین این اثر بهره گرفت.

انجام تحقیق کامل در این باره تتبع و تدوین جامع تر و عمیق تر را می طلبد اما محدودیت وقت این اجازه را نداد. روش تحقیق در این نوشتار به صورت نقلی و توصیفی بوده و گاهی همراه با تحلیل نیز خواهد بود، و همچنین جمع آوری اطلاعات و مطالب با مراجعه به کتابخانه و با استفاده از قرآن و کتابهای اعم از روائی و فقهی صورت می گیرد. و نیز از نرم افزارهای کامپیوتری استفاده شده است.

در آخر حمد و سپاس خداوند متعال می نمایم که به این بنده حقیر توفیق داده که از دریای خروشان علوم آل محمد، جرعه ای به اندازه وسع و توان خود بردارم و در اختیار علاقه مندان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت قرار دهم.

و در اینجا لازم می دانم از اساتذده بزرگواران و گرانقدر "حجة الاسلام و المسلمین آقای هاشم نیا زی دامت برکاته" و محترم حجة الاسلام و المسلمین آقای تلخابی دامت برکاته رئیس مجتمع آموزش عالی فقه و معارف که که بنده را در این نوشتار از راهنمایی های لازم بهره مند نمودند و در زمینه پژوهش یاری نموده اند تشکر و

مقدمه..... ۱۶

سپاسگزاری می نمایم. و برای آنان توفیق روز افزون را از
خداوند متعال مسئلت دارم. و من الله التوفیق
والسلام: سید رضی حیدرزیدی

چکیده

در این جهان هرانسان خواهان کمال و رشد است، ولی حصول این کمال و رشد بدون اطاعت خدا و عمل بر احکام آن امکان پذیر نیست. زیرا اطاعت خدا است که انسان را ترقی می‌دهد، رشد می‌بخشد، ولی اطاعت خدا هم بدون عمل به احکامی که برای مکلف در قرآن و روایات و اقوال فقها ذکر شده است؛ حاصل نمی‌شود.

تحقیق پیش روی شما، به موضوع حکم کفار از نظر طهارت و نجاست از نگاه اساسی ترین منبع فقه و معارف اسلامی، یعنی قرآن کریم و از مفسر قرآن، یعنی احادیث معصومین؛ و نظریات فقهاء پرداخته است. ما در این پژوهش، اجمالاً مفهوم کفر و کافر از نظر لغت؛ در اصطلاح فقه و اقسام کفار و احکام آنها بیان کردیم و سپس به پاسخ این پرسش پرداختیم که:

"حکم کفار از نظر نجاست و طهارت چیست؟"

این نوشتار، مشتمل بر دو فصل می‌باشد. در فصل اول، مباحث کلی.

گفتار اول: مفهوم کفر و کافر از نظر لغت و اصطلاح: واژه «کفر» از نظر لغت شناسان عرب یک معنای کلی دارد و آن «پوشاندن» است. در اصطلاح: پنج معنا به کار برده: ۱. منکران خداوند مادیون. ۲. مشرکان. ۳. پیروان دیگر ادیان آسمانی مثل اهل کتاب (یهود، مسیحیان و زردشتیان). ۴. منکران ضروریات دین با آگاهی از ضروری

بودن آن حتی خوارج ناصبیان و برخی از غلات. ۵. منکران امامت. مفهوم کفر در قرآن بمعنای: کفر جحود به معنای انکار ربوبیت خداوند، معنای دیگر انکار آگاهانه است، کفران نعمت، ترک آن چه را که خداوند بدان امر کرده است، براءت و بیزاری، مفهوم کفر در کلام معصوم، مفهوم کفر و کافر در اصطلاح فقه شیعه، فقیهان شیعه به پیروی از قرآن و احادیث پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) واژه کفر را در پنج معنا به کار برده و در مجموع پنج گروه با توجه به اختلاف فتاوا در اصطلاح فقه و کلمات فقها کفر شمرده شده اند: ۱- منکران خداوند مادیون. ۲- مشرکان. ۳- پیروان دیگر ادیان آسمانی مثل اهل کتاب (یهود مسیحان و زردشتیان). ۴- منکران ضروریات دین با آگاهی از ضروری بودن آن حتی خوارج ناصبیان و برخی از غلات. ۵- منکران امامت.

گفتار دوم: اقسام کافر و افراد ملحق به آن:

در یک نگاه کلی کسانی که اسلام را قبول ندارند و یا به لفظ قبول دارند ولی به سببی از اسلام خارج شده اند تحت نام کفار یاد می شوند: ۱- مادیون. ۲- مشرکین. ۳- اهل کتاب. ۴- فرقه های محکوم به کفر (مرتدین و منکران ضروریات دین). شرک در لغت: معنای شرک از نظر لغت شناسان: به معنای شریک قراردادن است و مشعر لفظ اثنیثیه و تعداد. در اصطلاح: اما در فرهنگ اصطلاحات دینی: شرک بمعنای مشرک قرار دادن موجودی دیگر با خدای تبارک و تعالی در یکی از مقامات و شئون مخصوص به خدای متعال است. اقسام و مراتب مختلف شرک در قرآن و روایات. ۱- شرک در آفرینش. ۲- شرک در ربوبیت و تدبیر. ۳-

شرک در عبادت. ۴ - شرک در نیت. ۵- شرک در اطاعت.
 مصادیق مشرکین به اختصار: ۱- مشرکین عصر نزول
 وحی و بعثت پیامبر اکرم (ص) ۲- گروهی از مسیحان. ۳-
 گروهی از زرتشتیان. ۴- گروهی از مفوضه. ۵- صائبین قدیم.
 ۶- چینیان قدیم. ۷- مصریان قدیم. ۸- ایرانیان قدیم. ۹-
 رومیان قدیم. ۱۰- یونانیان قدیم. ۱۱- توتم پرستی. ۱۲-
 طرفداران و معتقدان مثل افلاطونی. ۱۳- معتقدان به عقول
 طولی افلاک نه گانه و عقول عرضی انواع موجودات در
 فلسفه قدیم-

هندوئیسم و فرقه های محکوم به کفر:

الف- منکران ضروری دین. ب- خوارج. ج - نواصب.
 د- غلات. در فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست:
 گفتار اول. کفاری که نجاست آنها قطعی است: ۱- مشرکین:
 واژه مشرک در شریعت اسلام، مفهوم عام در بر گیرنده
 هرکسی که به نوعی شریک برای خدا در یکی از مقامات و
 شئون خاص وی قائل شود. ۲- ملحدین: کلیه فقهای که
 مشرکین را نجس می دانند، این قسم از کفار را هم که اصل
 دین و خدا را قبول نداشته و یا در مورد آن ها شک دارند و
 به اصطلاح قائلند که طبیعت ما را خلق کرده و خودش هم
 ما را از بین خواهد برد. نجس می دانند. ۳- نواصب: گروهی
 دیگر از کسانی که ادعای اسلام دارند کسانی هستند که
 نصب و دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) دارند. فقهاء اسلامی
 عموماً حکم به نجاست این طایفه ملعونه کرده اند. گفتار
 دوم کفاری که نجاست آنها اختلافی است: اهل کتاب: یکی
 از موضوعات فقهی که در میان فقهای شیعه مورد نظر

چکیده..... ۲۰

اختلاف است حکم اهل کتاب از نظر طهارت و نجاست است. اکثر قاطع فقهاء شیعه فتوا به نجاست اهل کتاب صادر کرده اند و جمعی از فقهاء شیعه معتقد به طهارت اهل کتاب شده اند. و بیان خاتمه پرداختیم.

خاتمه نیز مشتمل بر نتیجه گیری می باشد. در موضوعات فوق، سعی شده تمامی گفته ها مستند و مستدل از قرآن و روایات و اقوال فقها ارائه شود. امید است که انشاء الله برای خوانندگان محترم، خصوصاً برای اهل مطالعه مفید واقع شود.

فصل اوّل

مفاهیم و کلیات

۱. مفهوم کفر در لغت و اصطلاح
۲. مفهوم کفر در قرآن
۳. مفهوم کفر در کلام معصوم
۴. مفهوم کفر در اصطلاح فقه شیعه
۵. اقسام کفار و افراد ملحق به آن

فصل اول: مفاهیم و کلیات

گفتار اول: مفاهیم: مفهوم کفر و کافر از نظر لغت و اصطلاح.

مفهوم کفر در لغت:

واژه «کفر» از نظر لغت شناسان عرب یک معنای کلی دارد و آن «پوشاندن» است معنای دیگر این واژه مصداق هایی از همین معنای کلی می باشد از قبیل:

۱- کفر در برابر ایمان که به معنای پوشاندن و انکار حقایق از قبیل: خدا، قیامت، نبوت پیامبران و آیات نازل شده بر پیامبران و... است

۲. کفران نعمت در برابر شکر نعمت که به معنای نادیده گرفتن نعمت است.

۳. کافر به معنای شب که پرده سیاه و ظلمت را بر همه اشیا می افکند.

۴. کفر به معنای کشاورزی و کافر یعنی کشاورز که بذر را در زمین پنهان می کند.

۵. کفر به معنای پوشیدن زره جنگی که سربازان بدن خویش را با آن می پوشانند.

بسیاری از لغت شناسان بزرگ عرب این معنای متعدد را مصادیقی از آن معنی کلی دانسته اند از قبیل: راغب در

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۲۴

مفردات.^۱ ابن فارس در معجم مقاییس اللغة.^۲ ابن منظور در لسان اعراب.^۳ جوهری در صحاح اللغة.^۴ زبیدی در تاج العروس-^۵ طریحی در مجمع البحرین.^۶

مفهوم کفر در قرآن:

این واژه که بیش از پانصد بار به شکل ها و صیغه های مختلف در قرآن مجید به کار رفته است به توجه به اشتقاق از معنای کلی لغوی آن در نه معنا استعمال شده است به تعبیر دیگر می توان همه موارد استعمال آن را در قرآن در نه معنا دسته بندی کرد:

۱- انکار اصول دین:

این نوع کفر ویژه ملحدان، زنادقه و مادیون است که به طور کلی منکر ما و رای ماده اند. نمونه آیاتی که کفر در آنها بدین معنا است عبارت است

۱. راغب، اصفهانی، محمد حسین، المفردات فی غریب القرآن ص ۴۳۳ الکفر فی اللغة ستر الشی و وصف الیل بالکافر لستره الاشخاص والزرع لستره البزرقی الارض... وکفران النعمه لسترها بترك اداء شکرها و اعظم الکفر جحود الوحایه او الشریعه او النبوه...
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، بن ذکریا، معجم مقاییس اللغة ج ۵ ص ۹۱: کفر (الکاف و الفاء و الراء) اصل صحیح یدل علی معنی واحد و هو الستر و التغطیه یقال لمن غطى درعه بثوب قد کفر درعه
۳. ابن منظور، ابولفضل جمال دین، محمد بن مکرم، لسان العرب ج ۵ ص ۱۴۴ الکفر نقیض الایمان ... و الکفر کفر النعمه هو نقیض الشکر الکفر جحود النعمه و هو ضد الشکر ... و الکفر الزارع ... و الکف بالفتح التغطیه
۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة ج ۲ ص ۸۰۷ الکفر ضد الایمان قد کفر بالله کفرا... و الکفر ایضا جحود النعمه و هو ضد الشکر ... و الکفر بالفتح التغطیه و قد کفرت الشی الکفره بالکسر کفرا ای سترته ... و الکافر الیل المظلم ... و الکافر الذی کفر درعه بثوب هو الکافر البحر ... و الکافر الزارع لانه یغطی البذر بالتراب
۵. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس ج ۳ ص ۵۳۵ الکفر بالضم ضد الایمان و بالفتح و اصل الکفر من الکفر بالفتح مصدر کفر بمعنی الستر
۶. مجمع البحرین ج ۳ ص ۴۷۴ قوله تعالی ولاتکونوا اول کافر به ای اول من کفر و جحد ... فالکافر الجاحد للخالق ... و الکفر بالفتح التغطیه

از: **كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ** ..^۱
 گونه به خداوند کافر می شوید، در حالی که شما مردگان
 (و اجسام بیانات بودید، و او شما را زنده کرد و ما منعهم ان
 تقبل منهم نفقتهم الا انهم كفروا بالله و برسوله...^۲
 هیچ چیز مانع قبول انفاقی آنها نشد، جز این، آنها به
 خدا و پیامبر شان کافر شدند،
إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ^۳
 کسانی که خدا و پیامبران، او را انکار می کردید!
أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ ..^۴
 آنها کسانی هستند که به آیات پرور دگار شان و لقای او
 کافر شدند.

وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ
فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ..^۵
 کسی که خدا و فرشتگان، او و کتاب، و پیامبران او روز
 واپسین را انکار کند، در گمراهی اند دور و درازی افتاده
 است.

۲_ انکار توحید و یگانی خدا:

کفر در این معنا معادل شرک است و شامل همه مشرکان
 ،اعم از ثنویه قائلان به تثلیث بت پرستان و نیز فرقه های
 مشرک از بین اهل کتاب نیز می باشد نمونه آیات:

۱. سوره بقره/۲۸

۲. سوره توبه آیه ۵۴

۳. نساء آیه ۱۵۰.

۴. کهف آیه ۱۰۵.

۵. نساء آیه ۱۳۶.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۲۶

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ ...^۱
آنها که گفتند: خداوند، یکپارچه از سهمی خداست.
لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ...^۲
آنها که گفتند: خدا، همانندهایی مسیح بن مریم است کافر شدند.

۲- انکار رسالت حضرت محمد(ص).

این نوع از کفر شامل همه مردم غیر از مسلمان حتی پیراوان دیگر ادیان آسمانی نیز می شود که در آیاتی چند مطرح شده است از جمله:

يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا...^۳

آنها! که کافر شدند می گویند. تو پیامبر نیستی!
مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ
يُنزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ...^۴
کافران اهل کتابی و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند
که از سوی شان خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد.

۴- انکار طاغوت:

چنین کفری پسندیده و بر هر مومنی بایسته است زیرا
لازمه اعتقاد به خداوند کفر ورزیدن به دیگر خدایان و
شرکای ادعایی و طاغوت ها است چنانچه لا اله رکن مقدم
بر <الاله> است به عنوان نمونه:

۱. سوره مائده / ۷۳.

۲. سوره مائده، آیات ۱۷.

۳. رعد آیه ۴۳

۴. بقره آیه ۱۰۵.

فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۲۷

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَى...^۱

پس هر که از راه کفر و سرکشی برگردد و به راه ایمان و
پرستش خدا گر آید به رشته محکم و استوار چنگ زده.

۵- کفران نعمت:

کفر بدین معنا در برابر < شکر > و به مفهوم ناسپاسی
و به کار گیری نعمت در مسیر ناخشنودی خداوند و ولی
نعمت است نمونه آیات :

(۱) وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ
إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ^۲

هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکر کنید،
(نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید،
مجازات‌ها شدید است»

(۲) هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ.^۳
این از فضل پروردگار من است) تا مرا آزمایش کند که آیا
شکرانه او را بجا می‌شمرند. یا کفران می‌کردند!

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ...^۴
پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم و شکرانه مرا
گویید و (در برابر نعمت‌ها) کفران نکنید!

۱. بقره آیه ۲۵۶.

۲. ابراهیم آیه ۷.

۳. نمل آیه ۴۰.

۴. بقره آیه ۱۵۲.

فَكَفَّرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ^۱
به نعمت‌های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمال
شان، که انجام می‌دایدید! لباس گرسنگی و ترس را بر
اندامشان پوشانید.

۶- ترک فرائض و وظائف دینی:

قرآن مجید در برخی موارد ترک واجب و دستورهای
دینی از قبیل حج را کفر نامیده است.

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا^۲ وَمَنْ
كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ^۲

برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه او کنند، آنها که
توانائی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد {و حج
را ترک کند، به خود زیان رسانده} خداوند از هم حاجیان،
بی نیاز است.

۷- ارتکاب معصیت:

قرآن کریم در چندین مورد اقدام به محرمات و معاصی
را کفر خوانده است ماننده جادوگری شیاطین در زمان حرت
سلمان که منجر به جدائی زن و شوهر از یک دیگر می شد
همچنین جنایات و جرایم بنی اسرائیل ماننده کشتار و آواره
کردن مردم بی گناه و امثال آنها

وَ اتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ^۳ وَ مَا كَفَرَ

۱. نحل آیه ۱۱۲.

۲. سوره آل عمران آیه ۹۷.

سَلِيمُنْ وَ لَكِنَّ الشَّيْطِينَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرَاءُ...^۱
 و (یهود) از آن که ذلیل شیاطین در عصر سلیمان بر مردم
 می بینند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر
 نیالود و) کافر نشد ولی شیاطین کفر ورزیدند و به مردم
 سحر آموختند.

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ
 مَّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ إِنْ يَأْتُواكُم
 أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَ هُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتُوْمُنُونَ
 بَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَعْضٍ...^۲

(اما) این شما هستید! که یکدیگر را می فرستم و
 جمعیتتان از خودتان را از سرزمینهای بینا) می کشم و در این
 گناه و تجاوز به یکدیگر کمی می کنند؛ (و اینچنین همواره)
 نقض پیمودند است که با خدا بسته اید) در حالی که اگر
 بعضی از آنها) به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیة می
 داند) و آنان، را آزاد می رسیدند، با این بینا)! ساختند. آنان،
 بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورها) کتاب آسمانیت
 ایمان میکنیم و به بعضی کافر می شوید.

۸- بیزاری و براءت:

قرآن مجید در چند مورد واژه کفر را به معنای بیزاری به
 کار برده است از آن جمله:

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا
 وَ مَاوَاكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ...^۳

۱- سوره بقره آیه ۱۰۲.

۲- سوره بقره آیه ۸۵.

۳- عنکبوت آیه ۲۵.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۳۰

سپیده روز قیامت از یکدیگر بیندیشند می بریم، و یکدیگر را لعن می کنید، و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یآوری برای شما نخواهد بود!»

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَخَدَّهٗ...^۱

برای شما خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرك) خود گفتند: «ما از شما و بت‌های شما که بجای خدا می پرستید) به کلی بیزاریم ما نسبت به شما کافریم و می گفت: ما و شما عداوت و دشمنی همپیمانان آشکار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیفکنند،

وَ قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي ۗ فَلَا تُلْمُونِي وَ لَوْلَمْؤَا أَنْفُسِكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ...^۲

و چون حکم قیامت به پایان رسید و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند در آن حال شیطان برای نکوهش و تمسخر کافران گوید خدا به شما حق و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت و بر شما هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم ... من به شرکی که شما به اغوا من آوردید معتقد نیستم آری

۱- ممتحنه آیه ۴.

۲- سوره، ابراهیم آیه ۲۲.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۳۱

در این روز ستمکاران عالم را عذاب درد ناک خواهد بود.

۹- کشاورزی:

قرآن مجید در یک مورد کفر را به معنای کشت و پنهان کردن بذر در زیر خاک به کار برده و به کشاورزان نام «کفار» اطلاق کرده است:

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ ۚ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًا^۱

بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه ایست طفلانه و لهو و عیاشی و زیب و آرائش و تفاخر و خود ستائی با یکدیگر حرص افزودند مال و فرزندان این حقیقت کار دنیا است و در مثل مانند بارانیست که به موقع بارد و گیاهی در پی آن از زمین بروید که کفار را به شگفت آورد.

مفهوم کفر در کلام معصوم (ع):

استعمال کلمه کفر در قرآن کریم ممکن است برای عده ای این ابهام شود که چرا این معانی کسان و سازگار نیستند؟ امام صادق (ع) پاسخ این سؤال را به صورت تحلیلی و تقسیم انواع معانی متعدد کفر برای یکی از راویان بیان داشته و این شیوه دسته بندی آیات و اطلاقات گوناگون را به مسلمانان تعلیم داده است حضرت در حدیث شریف اکثر معانی ذکر شده را در پنج گروه دسته بندی کرده که شایسته است آن را به عنوان سند و شاهی بر تقسیمات معانی کفر

۱- سوره حدید، آیه ۲۰.

و نیز درسی از آن پیشوای بزرگوار نقل کنیم:
 زبیری می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم معانی
 کفر در قرآن را بیان فرمایید!
 حضرت فرمود:

واژه کفر در کتاب خدا به پنج معنا استعمال شده است:
۱- کفر جحود به معنای انکار ربوبیت خدا وند: و گفته
 کسانی است که می گویند نه خدایی است و نه بهشتی و
 نه جهنمی این عقیده دو گروه از زنادقه است که ادعا می
 کنند هیچ عاملی جز روزگار، ما را فانی نمی کند: آنان این
 دین را بدون تحقیق با اندک خوشایندی برای خویش
 برگزیده اند، چنان که خداوند می فرماید: «آنان فقط تابع
 گمان خویش هستند» و درباره آنها می فرماید: «آنان که
 کافر شدند- چه آنان را انذار کنی یا نه ایمان نخواهند
 آورد» یعنی یگانه پرست نخواهند شد

۲- معنای دیگر انکار آگاهانه است: چنین کسی حقانیت
 چیزی را که برایش اثبات شده انکار می کند چنانکه خداوند
 می فرماید: «آنان درحالی که یقین به آن داشتند ظالمانه و
 برتری جویانه انکارش کردند»

۳- کفران نعمت: چنانکه خداوند سخن حصرت سلیمان
 را نقل می کند که «این تفضل پروردگار من است تا مرا
 بیازماید که شکر خواهم کرد یا کفران خواهد ورزید هر
 کسی شکر نمود برای خودش شکر کرده و هر کسی کفران
 بورزد پس خدای من بی نیاز و بخشنده است» و فرمود «
 اگر شکر کنید افزونتان خواهم کرد و اگر کفران ورزید همانا
 عذاب من سخت است:» و فرموده است «پس به یاد من

باشید تا به یاد شما باشم و شکر مرا به جای آورید و کفران من نوزید»

۴ - ترک آن چه را که خداوند بدان امر کرده است: چنانکه فرموده است « آنگاه که از شما پیمان گرفتیم که خون خویش را مرزید و یک دیگر را از دیارتان بیرون نکنید، شما اقرار کردید و شهادت دادید سپس اکنون خویشتن را می کشید و گروهی از خودتان را از دیارشان اخراج می کنید و بر آنان باگناه و تجاوز غلبه می کنید و اگر خویش را اسیر شما کنند فدیة می گیرید و حال آن که اخراج آنان بر شما حرام بوده است: آیا به برخی از کتاب خدا ایمان می آورید و به برخی دیگر کفر می ورزید؟

پس مجازات آن دسته از شما که این گونه عمل کنند چیست؟ « خداوند به موجب ترک دستور الهی نسبت کفر به آنها داده است، و گرچه نسبت ایمان هم به آنان داده است اما ایمان را از آنها نپذیرفته، هیچ سودی برای شان نزد خدا ندارد «پس مجازات این گروه از شما که چنین کنند چیست غیر از خواری در زندگی دنیا؟ و در روز قیامت به سوی سخت ترین عذاب رانده می شوند و خداوند از کردار شما غافل نیت»

۵- برائت و بیزاری: چنانکه خداوند سخن حضرت ابراهم را نقل می کند که به گمراهان امتش گفت... «ما از شما بیزایم و بین ما و شما دشمنی و بغض همیشگی است تا وقتی که شما ایمان به خدای یگانه آورید» و چنانکه خداوند بیزاری ابلیس را از دوستانش (برخی از آدمیان) نقل می کند که... «من از شرک ورزیدن سابقتان نسبت به خودم

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۳۴

بیزاری می جویم» و فرمود « شما غیر از خدا بت هایی را اتخاذ کردید که فقط به خاطر علاقه های دنیوی است اما روز قیامت هر گروه از شما از دیگری بیزاری خواهد جست و او را لعن خواهد کرد

در پایان یاد آور می شود که دقت در حدود و مرزهای هر یک از معانی ذکر شده لازم است زیرا ممکن است گروهی از افراد مشمول کفر و کافر به بعضی از معانی باشند و مشمول کفر به معانی دیگر نباشند باید دقت داشت که احکام و قوانین ویژه هر معنا به مشمولان همان معنا اختصاص دارد و نباید به منسوبان به کفر در معانی دیگر سرایت داده شود مثلاً یهود و نصاری کافر به معنای سوم هستند اما کافر به معنای اول نیستند باید دقت شود که آیات مربوط به کافران به معنای اول بر اهل کتاب تطبیق نشود دیگر معانی ذکر شده نیز چنین اند.^۱

مفهوم کفر و کافر در اصطلاح فقه شیعه:

فقیهان شیعه به پیروی از قرآن و احادیث پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) واژه کفر را در پنج معنا به کار برده و در مجموع پنج گروه با توجه به اختلاف فتاوا در اصطلاح فقه و کلمات فقها کفر شمرده شده اند:

★ ۱ منکران خداوند مادیون.

★ ۲ مشرکان.

★ ۳ پیروان دیگر ادیان آسمانی مثل اهل کتاب (یهود

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، باب وجوه کفر، ص ۳۸۹۲۸، تهران دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول ۱۳۶۲.

مسیحیان و زردشتیان) .

★ ۴ منکران ضروریات دین با آگاهی از ضروری بودن آن حتی خوارج ناصبیان و برخی از غلات.

۵ منکران امامت

فقیهان شیعه در کافر بودن سه گروه اول اتفاق نظر دارند اما نسبت به گروه چهارم اختلاف نظر وجود دارد زیرا برخی از فقیهان همه دسته های نامبرده در آن گروه را کافر و نجس می دانند و برخی دیگر گرچه همه آنها را نجس می دانند برخی را کافر نمی دانند هم چنانکه گروهی نجاست آنها را هم منکرند نسبت به گروه پنجم هم اختلاف نظر وجود دارد زیرا اکثر و بلکه تقریباً همه فقهای شیعه آنها را مسلمان و غیر کافر دانسته اما تعداد اندکی از فقها دسته پنجم را کافر شمرده اند

تنی چند از فقها نیز نظر خود را نسبت به کافر بودن غیر امامیان (شیعه دوازده امامی) چنین ابزار دانسته اند

۱. شیخ اعظم انصاری: کافر بودن اهل سنت از موضوعات مسلم است که علماء روایات فراوان آن را بیان داشته اند اما این کفری نیست که مستلزم نجاست بدن آنها هم باشد بلکه مقصود مقابل ایمان است^۱.

۲- شیخ طوسی (طبق نقل صاحب حدائق) مسلمان مخالفان امامت کافر اند و باید احکام کفار نسبت به آنها اجرا شود جز موارد استثنا شده لذا هم چنانکه غسل کافر جائز نیست

۱ انصاری، شیخ مرتضی، کتاب الطهارت، ص ۲۳۹، چاپخانه الله قلی خان، ۱۲۹۸، کتابخانه تخصصی فقه و اصول.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۳۶

غسل مخالف نیز نباید جائز باشد.^۱

۳- محقق حلی مولف کتاب المعتمر زکات به غیر شیعه داده نمی شود. گرچه مسلمان باشد زیرا ایمان اعتقاد به همه دستوره‌های الهی پیامبر اکرم (ص) و کفر انکار آنها است بنابراین کسی که ایمان به برخی از آنها ندارد کافر است و به کافر زکات داده نمی شود.^۲

۴- شیخ یوسف بحرانی (صاحب حدائق) نظر به کفر مخالفان نزد من حق است و سزاوار تبعیت زیرا در این زمینه احادیث فراوانی مبنی بر کفر و شرک و دشمنی و نجات آنها وجود دارد سخن حق همان گفته سید مرتضی علم الهدی است که می فرمود! آنان کافران همیشه در آتش اند و کفر آنان از آشکارترین واضحات است (۲)

۵- صاحب جواهر مرحوم محمد حسن نجفی در حل این معضله می نویسد: واژه اسلام سه گونه استعمال می شود:

الف: مرادف معنای ایمان (اعتقاد به امامت)

ب: اسلام شامل غیر امامیان

ج: فقط گفتن شهادتین

واژه کفر هم متقابلاً همین سه نوع کار برد و معنای متفاوت را دارد چنانکه واژه مومن گاهی به معنای عمق به کار برده می شود و گاهی مخصوص معتقدان به امامت بنابراین اگر در برخی احادیث نسبت کفر به غیر امامی داده شده است

۱. بحرینی، یوسف، حدائق الناضرة، ج ۳، ص ۴۰۵، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۳۷۸ هـ. ق. (معلقه محمد تقی ایروانی)

۲- محقق حلی، المعتمر فی شرح المختصر، کتاب الزکات، ص ۲۸۱

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۳۷

مراد همان کفر در برابر ایمان به معنی دوم است^۱

یاد آوری لازم:

لازم است مجدداً بر این نکته تأکید کنیم که: گر چه شمار اندکی از علمای شیعه عنوان کافر به معنی نوع پنجم را بر غیر امامی اطلاق کرده اند اما این استعمال در اصطلاح فقه شیعه و فقها اختصاص و انحصار در چهار معنا و نوع اول دارد و هر جا که سخن از کافر و احکام کافر می گویند حد اکثر مقصود همان گروههای چهارگانه است.

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۵۶، ۵۷ و ۶۰، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث.

گفتار دوم: کلیات: اقسام کافر و افراد ملحق به آن:
 در یک نگاه کلی کسانی که اسلام را قبول ندارند و یا به لفظ قبول دارند ولی به سببی از اسلام خارج شده اند تحت نام کفار یاد می شوند
 حال یا هیچ اعتقادی به آئین و دینی ندارند که نام دهریون و مادیون زنادقه لادریون و ماتریالیست ها خوانده می شود
 طبعاً خدا را قبول ندارند.

و یا اینکه دارای دین و آئین هستند و از این دسته دوم که معتقد به آئینی هستند یا اعتقاد به آئین هایی دارند که هیچ منشاء و حیانی نداشته بلکه تحت عنوان آئین های بشری از آن ها یاد می شود که آن ها عمدتاً چند گانه پرست و بت پرستند و عبارتند از مشرکان معروف عصر رسالت از قریش و جزیره العرب پیروان ادیان باستانی هند و چین و ژاپن چون برهما بودائی جینی کنفوسیوس و امثال آنها
 و یا اینکه دارای دینی هستند که منشاء و حیانی دارد و یادشده است که در این صورت یا پیروان ایان آسمانی و ابراهیمی هستند مانند یهود و نصاری (و اسلام) که کسانی که پیرو اسلام اند به لفظ لکن به وسیله عقیده و رفتاری از دین اسلام ختدین منکران ضروری دین خوارج نواصب غلات در این گروه قرار دارند و انشاء الله هرکدام از آنها جدا گانه بررسی می شود.

و یا پیرو دین ابراهیمی نیستند چون مجوس و صائبین این یک نحو تقسیم بندی در ادیان بود و از جنبه های

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۳۹

دیگری هم تقسیم شده اند از جمله ادیان ابتدائی ادیان قدیم و ادیان پیشرفته و یا ادیان ساده ادیان فلسفی و ادیان وحیانی و یا اینکه ادیان به توحیدی و غیر توحیدی تقسیم می شوند و تقسیم بندی ادیان به ادیان شرقی و ادیان غربی.^۱

بنا بر این کفار را در چهار طبقه می توان تقسیم بندی کرد

۱- مادیون: دهریون متریالیست ها لادریون

۲- مشرکین: که شامل بت پرستان و چند پرستان عرب در زمان نزول اسلام و نیز صاحبان ادیان بشری هند و چین می گردد

۳- اهل کتاب: شامل صاحبان ادیان الهی وحیانی هستند که حال یا ادیان ابراهیمی است مانند یهود و نصاری یا غیر ابراهیمی چون مجوس و صائبین.

۴- فرقه های محکوم به کفر (مرتدین و منکران ضروریات دین)

۱- مادیون:

مراد از مادیون کسانی می باشند که اصلاً خالق را قبول ندارند مبدائی ما وراء طبیعت را قبول ندارند و طبعاً خدا را هم قبول ندارند که بطور مسلم این ها کافر هستند بلکه قدر متیقن از آن هستند و از همه اقسام و انواع کفار پست تر و بدحال ترند. چرا؟ که حتی کفار و مشرکین قریش که بت پرست بودند باز اصل خدا و خالق را قبول داشتند و

۱. توفیقی علی اصغر، آشنائی با ادیان بزرگ، ص ۱۷-۱۶

فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۴۰

منکر خدا نبودند و لکن آن گونه که از قرآن کریم هم استفاده می شود مدیریت یگانه الهی و توحید در تدبیر را قبول نداشتند و در کلمات فقهاء هم اشاره به این نوع کفر از اقسام کفار است.

و المراد بالكافر من كان منكرا لله لوهيه.^۱ مراد از کافر کسی است که وحدانیت خداوند را انکار بکند. و نیز شهید در شرح ملعه، و ضابطه من انکرا لاهيته.^۲ قاعده کفر این است که کسی انکار وحدانیت خداوند را انکار بکند. و یا این که مرحوم آیه الله برو جردی در توضیح المسائل خود دارند کافر یعنی کسی که منکر خدا است.^۳ و یا در تعبیر برخی از فقهاء به این کفر به کفری که از شرک بدتر است و اسوء حالا از آن است یاد شده است شهید صدر (ره) در بحوث خود می گوید: ان المتقین من تلک الادله التي عمدتها الاجماع المشرك و من یوازیه او من هوا اسوا منه کاملحد.^۴ این قسم در زمان آئمه معصومین (ع) هم وجود داشته اند و به عنوان دهری و زندیق در السنه مشهور بودند و همان گونه که امام صادق (ع) در روایتی که پیش از این نقل کردیم فرموده بودند سخن آنها این است که: وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ.^۵ و جزدهر و طبیعت کسی ما را نمی میراند" که قرآن کریم از قول آنها آورده است. الان هم مادیها و ماترلیست ها که بیشتر

۲- حکیم، سید محسن مستمسک العروة الوثقی، مستمسک ج ۱ ص ۲۷۸، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۳. شهید، زین الدین، شرح ملعه، ج ۱ ص ۴۸، ناشر مجمع الفکر السلامی المطبعة، ظهور قم.

۴. برو جردی، توضیح المسائل محشی برو جردی ص ۳۰.

۵. شهید، صدر، محمد باقر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۲ ص ۴۲۸، مجمع شهید صدر ۱۴۰۸ ق.

۵. سوره، جائیه آیه ۲۴.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۴۱

تحت عنوان کمونیست‌ها شناخته شده‌اند قائل به همین طرز تفکر الحادی هستند.

برخی از صاحبان ادیان بشری هم مانند بودا برهمنی و امثال این‌ها هم اعتقادی به خدا نداشته و یا تبلیغ به پرستش خدای واحد نداشته و لذت به دین بی‌خدائی مشهورند که شرح اجمالی آنها خواهد آمد و فعلاً هم وجود دارند عده‌ای دیگر از به اصطلاح فلاسفه هستند که در خصوص هستی و منشاء آن شکاک بوده و به لادریون معروفند که آن‌ها هم منکر خدا به حساب می‌آیند.

۲- مشرکان:

یکی از مهمترین بحث‌های این نوشتار در خصوص حکم کفار از جهت طهارت و نجاست مشرکان است لذا بحثی جهت آشنائی با این واژه و شناخت اقسام و مصادیق آن به عمل می‌آید چهار جهت بحث در خصوص مشرکان است.

الف: شناخت معنای شرک.

ب: شناخت شرک در قرآن و روایات.

ج: شناخت مصادیق شرک و آئین‌های شرک‌آلود.

د: طهارت و یا نجاست مشرکین.

قسمت چهارم در بحث بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یک: معنای شرک از نظر لغت شناسان: به معنای شریک

قرار دادن است و مشعر لفظ اثنیة و تعداد است.^۱

اما در فرهنگ اصطلاحات دینی: شرک بمعنای مشرک قرار

۱. راغب اصغھانی، محمدحسین، مفردات ص ۲۵۹ حرف شین + قامس اللغة ماده مشرک - مقایس اللغة ج ۳ ص ۲۶۵ + مجمع البحرین ماده شرک.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۴۲

دادن موجودی دیگر با خدای تبارک و تعالی در یکی از مقامات و شئون مخصوص به خدای متعال است امام صادق (ع) در حدیثی چنین فرمود:

سئل الزندیق فما الشرک؟ قال الصادق (ع) الشرک ان یضم الی الواحد الذی لیس کمثله شیء...^۱

حال این شریک قرار دادن در آفرینش جهان باشد یا در تدبیر و اداره نظام هستی یا در تامین نیاز مندی های انسان ها و یا در عبادت کردن و خضوع مخصوص و امثال اینها که مراتب شرک را شکل می دهد

شرک در برابر توحید است و موحد کسی است که به خدای یگانه ایمانه داشته و در هیچ یک از مقامات ویژه خدائی کسی یا چیزی را شریک او ندادند این در حالی است که مواحدان هیچ گاه منکر نقش افراد آدمی یا دیگر موجودات عالم در تا مین نیازمندی های خود یا دیگر و تحولات این جهان مادی نیستند.

چرا؟ که هیچ کس بدون عنایت آن هستی بخش بزرگ امکان و قدرت هیچ گونه تاثیر و عملی را نداشته بلکه حتی هستی خود را لحظه به لحظه از وی دریافت می کند . بنا براین مشرک کسی است که برای غیر خدا نقس مستقل در عالم وجود قائل باشد .

البته مشرک به موجب آن که توحید و یگانگی خدا را در برخی شئون خدا وندی انکار کرده است کافر خداوند می شود . همان گونه که خداوند تبارک تعالی شرک به خداوند را کفر به پروردگار معرفی کرده است و می فرماید:

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۱۰ ص ۱۸۴، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۲ هـ ق.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۴۳

«إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا.» هنگامی که به ما دستور می خواست که به خداوند کافر شویم و همردیف برای او قرار دهیم.^۱ و نیز فرموده است:
مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ.^۲

مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کند در صورتیکه به کفر خود شهادت می دهند

تا اینجا معنای کلی در باره شرک را گفتیم و لکن شرک دارای جلوه ها، اقسام، انواع و مراتبی است که از آیات و سوره و روایات مختلف به دست می آید. علماء اسلام هم همین معانی را به کار برده اند و بحث از شرک و معانی و مراتب آن را عمدتاً در مباحث توحید آورده اند. که ما در اینجا آنها را بیان می کنیم.

۱. سوره، سبا، آیه ۳۳.

۲. سوره، توبه، آیه ۱۷.

۲- اقسام و مراتب مختلف شرک در قرآن و روایات:

در قرآن کریم و روایات اقسام و مراتب مختلفی برای شرک بیان شده است و در یک تقسیم بندی می توان هفت معنا و مراتب برای شرک در قاموس قرآن و روایات یافت که به شرح ذیل بیان می گردد.

۱- شرک در آفرینش: یکی از رائج ترین معنا و مراتب

شرک این است که انسان وجود آفریننده ای یکتا را انکار کند و شاید اصلی ترین و مهمترین مرتبه شرک همین باشد خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم به این مرتبه از شرک اشاره نموده است در مقابل شرک در آفرینش و خالقیت است که همه باید ملتزم و پابند به آن باشد خداوند متعال در زمینه توحید آفرینش و عدم شرک در آفرینش می فرماید:

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا^۱

اگر در آسمان و زمین بجز خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می یافت. بشر در طول تاریخ با همه اختلافاتی که در آئین و اعتقادات و سنت ها داشته است عموماً هم داستان بوده اند که آفریننده جهان هستی یکی است حتی اکثر مشرکانی که خدایان متعددی می پرستیدند وحدت در آفریننده و توحید در خالقیت را قبول داشته اند و طبق قرآن بر آن اعتراف داشتند

۱.سوره، انبیا، آیه، ۲۲.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۴۵

آیاتی از قرآن کریم به توحید در خالقیت که از ابتدائی ترین مراحل توحید است دلالت دارند مانده:

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ.^۱

این است وصف پروردگار یکتای شما که جز او هیچ خدایی نیست و آفریننده هر چیز اوست پس او را پرستش کنید که نگهبان همه موجودات است.

و در آیه دیگری می فرماید :

هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ.^۲

آیا جز خدا آفریننده ی است که از آسمان و زمین به شما روزی دهد هرگز جز آن خدای یکتا خدای نیست پس ای مشرکان چگونه از درگاه حق به بتان باطل می آورید؟

و یا آیه:

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ.^۳

یقیناً کسانی به غیر خدا را که [برای روا شدن حاجاتتان] می خوانید هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند گرچه برای آفریدنش گردآیند، و اگر مگس چیزی از آنان بر باید نمی توانند آن را پس بگیرند، پرستش کنندگان و پرستش شوندگان هر دو ناتوانند

و یا آیه:

۱.سوره انعام آیه ۱۰۳

۲.سوره فاطر آیه ۳

۳.سوره حج آیه ۷۳

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۴۶

وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ
وَ الْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ^۱

و هر گاه از آنان، بپرسی: «چه کسی آسمان، و زمین را
آفریده ایم! و خورشید و ماه را مسخر کرده است حقایق می گردانیم.
«الله!» پس با این حال چگونه آنان، را (از عبادت خدا)
منحرف می رسید،

گر چه مشرکان عرب که بیشتر بت پرست بوده و نزدیک
ترین مخاطبان این گونه آیات قرآن بوده اند دچار شرک در
خالقیت نشده، لکن در طول تاریخ آئین ها و فرقه هائی از
برخی ادیان بوده اند که به این نوع شرک آلوده شده و یا
حد اقل به چند خدائی معروفند.

۲- شرک در ربوبیت و تدبیر:

نوع دیگری از شرک، شرک در تدبیر و ربوبیت عالم است
این قسم از شرک فراگیرنده تر از شرک به معنای اول است،
و معمولا افراد از ادیان مختلف دچار آن هستند کمتر کسی
از پیروان ادیان مختلف است که به شرک در خالقیت آلوده
باشد در حالی که این قسم از شرک را دارند.^۲

و هر کدام به نحو بنیانگزاران و پیشوایان دینی خویش
را یا ارواح موجودات آسمانی، را دارای نقشی در اداره بخشی
از جهان یا تامین بعضی خواسته های انسانها قائلند، و آنها
را واسطه فیض الهی برای خود می دانند.

در این زمینه علاوه بر «لوگوس» و مسیح (ع) و سائر

۱. سوره عنکبوت آیه ۶۱

۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۳، ص ۳۲۲، ت، انتشار ۱۳۸۶، ش، ناشر: دارالکتب اسلامی، تهران
بازار سلطانی ۹۹.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۴۷

پیامبران و آئمه اطهار (ع) نام برخی ملائکه مانند جبرائیل، عزرائیل، اسرافیل، میکائیل (کلید دار آخرت) رضوان (خازن بهشت) در دین اسلام و در دیگر ادیان حتی در زرتشت به شخص به نام «مشاسپندان» اشاره شده است و همچنین مثل افلاطون و ارباب انواع و مدبران امر و عقول عرضیه و بت‌های گوناگون در شمار واسطه‌های فیض در آئین‌های مختلف و مصداقی از شرک در ربوبیت می‌تواند باشد. یا اینکه در برخی آئین‌های بشری «مانا» نیروی واسطه بین خدا و جهان است که هر دین و آئینی با نام خاصی به آن معتقد است.^۱

البته واسطه فیض الهی بودن با اذن خداوند و به مشیت الهی و بدون استقلال منافاتی با توحید در ربوبیت نداشته بلکه عین آن است نمونه‌ای از آیات قرآن کریم در خصوص توحید و شرک در ربوبی الحمد لله رب العالمین.^۲ ستایش خدا که پروردگار جهانیان است - قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ.^۳

بگو: آیا جز خدای یکتا پروردگار و مدبری بطلبم؟ در حالی که او پروردگار و مدبر همه امور است -

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ.^۴

ای رسول ما از این مشرکان باز پرس که آفریننده آسمان‌ها و زمین‌ها کیست بگو خدا آفریننده خدا است -

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۳، ص ۳۲۲، ت، انتشار ۱۳۸۶، ش، ناشر: دارالکتب اسلامیة، تهران بازار سلطانی ۹۹.

۲. سوره فاتحه آیه ۲.

۳. سوره، انعام، آیه ۱۶۴.

۴. سوره رعد آیه ۱۶.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۴۸

همان گونه که در تحلیل این واسطه نگرینهای پیروان ادیان و مذهب و در شناخت شرک آمیز بودن یا نبودن آن کار ساز است همان استقلال و نداشتن استقلال در تاثیر و تدبیر است و بنا بر این هر فرقه ای که واسطه اش را مستقل بدند مشرک است و اگر نداند مشرک در ربوبیت نیست.

۳- شرک در عبادت:

رایج ترین نوع شرک در اقوام، ملل، ادیان و مذاهب مختلف در تاریخ بیشتر همان شرک در عبادت است و مدار دعوت پیامبران الهی و شعار اصلی آنان توحید در عبادت و پرهیز از پرستش خدایان دروغین است.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ.^۱

ما پیشا پیش از تو هیچ پیامبری، را نفرستادیم مگر این، به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست پس تنها مرا پرستش کنید.»

و نیز خداوند عالم می فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ.^۲

ما در هر امتی، رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید»

۱.سوره انبیا آیه ۲۵.

۲.سوره نحل آیه ۳۶.

۴- شرک در نیت:

یکی از معانی شرک و درجات آن که در قرآن کریم آمده است. شرک در نیت می باشد که در اصطلاح به آن شرک (ریا) گفته می شود.

انسانها اگر بخواهند اعمالشان قبول شود و در کمال نفس شان و تقرب به خداوند نافع گردد، باید اعمال و تکالیف را مخصوصاً تکالیف عبادی را فقط برای خدا به جهت انجام دستور او انجام دهند.

اما اگر عبادت و یا هر عمل خیر را به خاطر غیر خدا و غرض شخصی دیگری مانند: خود نمایی و قبول وجهه در بین مردم انجام دهد، ریا بوده و دچار شرک در نیت شده است و عملش قبول نخواهد شد.

خداوند متعال در این باره می فرماید: قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا^۱.

بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما (امتیازم این است که) به من وحی می سازند؟! که تنها معبودتان معبود یگانه است- پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند!

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه فوق فرموده است: «الرجل يعمل شيئاً من الثياب لا يطلب به وجه الله تعالى إنما يطلب به التزكية للناس (لنفس) يشتهي ان يسمع به

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۵۰

الناس، فهذا الذي اشرك بعبادة ربّه^۱.
و یا این که حضرت علی (ع) در یکی از کلمات گهربار شان فرموده :

«کل رياءٍ شرک»

هر گونه ریائی و انجام دادن عبادت و عملی برای غیر خدا شرک است

۵ شرک در اطاعت :

انسان در مکتب اسلام آفریده خدا و بنده اوست. از آنجا که خداوند آفریننده انسان است به همه نیازها و توانائی که داد و مراحل عالی دست یافتنی برای انسان آگاه است. بنده و آفریده طبق حکم و جدان بشر طبق حکم و جدان بشری و عقل فطری باید هستی بخش خویش را اطاعت کند. چنانکه فرمانده قانون گزار و برنامه ریزی آگاه تر و شایسته تر از آفریننده انسان قابل تصور نیست.

پس همانطور که «حاکمیت تشریحی و حق قانون گذاری از حقوق ویژه خدا است یگانه پرستان نیز باید معتقد به «توحید در حاکمیت تشریحی» هم باشند. و خویشان را با تمام وجود مطیع فرمان حق ساخته، و سرپیچی از او و فرمان برداری از کسانی که خلاف حکم خدا دستور می دهند به او شرک نورزند.

نمونه ای از آیات قرآن کریم در این زمینه: قرآن کریم هم در زمینه انحصار تشریح و حکومت و قانون گذاری در

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱ ص ۵۳، قم: مؤسسه آن البیت، چاپ اول ۱۴۰۹ هـ. ق.

خداوند و هم در زمینه لزوم اطاعت از او و پرهیز از اطاعت شیطان و طاغوت‌ها آیاتی به شرح ذیل بیان فرموده است **إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ**^۱
حکم تنها از آن خداست.

مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ^۲
هرکس بر خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از کافران خواهد بود
أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتَّعَى حَكْمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا^۳

(با این حال)، آیا غیر خدا را به داوری طلبند! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همواره چیز در آن آمده‌ای به سوی شما فرستاده است.

همچنین قرآن کریم اطاعت از غیر خدا را شرک خوانده است که به عنوان نمونه آیات زیر جلب توجه می‌کند
۱- وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده‌اند نخورید! این کار گناه است؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفی گاه القا می‌کردند! «تا با شما به مجادله برخیزند- اگر از آنها!»
اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود!

۲- فَقَالُوا أَنْوَمِنُ لِبَشَرِينَ مِثْلَنَا وَ قَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ^۴

۱.سوره یوسف آیه ۴۰.

۲.سوره مائده آیه ۴۴.

۳.سوره انعام ۱۱۴.

۴.سوره انعام ۱۲۱.

۵.سوره مومنون آیه ۴۷.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۵۲

از اینرو گفتند چرا ما به دو بشر مثل خودمان ایمان آریم
در صورتیکه طائفه این دو مرد ما را پرستش می کردند-

همچنین خداوند می فرماید:

۳- يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ
عَصِيًّا^۱.

ای پدر! شیطان را پرستش مکن، که شیطان نسبت به
خداوند رحمن عصیانگر بود!

و نیز فرمود:

۳- وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ^۲.

و بینند؟! آنها!) که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند!
امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه

فرموده است:

سَيَطِيعُ الشَّيْطَانَ مَنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ فِيشْرِك^۳.

و نیز فرمود:

شِرْكُ طَاعَةِ وَ لَيْسَ شِرْكُ عِبَادَةٍ^۴.

من اطاع رجلا فی معصية فقد عبده^۵.

۱. سوره یوسف آیه ۴۴.

۲. سوره یوسف آیه ۱۰۶.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، کتاب ایمان و کفر باب شرک ج ۳، تهران: دار الکتب
الاسلامیة، چاپ اول ۱۳۶۲.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، کتاب ایمان و کفر باب شرک ج ۴.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، کتاب ایمان و کفر باب شرک ج ۴.

سه- مصادیق شرک و آئین های شرک آلود:

مشرکین با حفظ همان معانی و مراتب سه گانه‌ای که گفته شده دارای مصادیق زیادی است که برخی از آن‌ها هنوز هم هستند و در گوشه و کنار جهان پراکنده شده‌اند. و آنها هم پیروان ادیان باستانی بوده که تا به حال مانده و می‌باشند

برخی از آنها پیروان ادیان آسمانی، یهودیت و مسیحیت و مجوسیت هستند که با داشتن عقائد شرک آلودی (به همان سه معنائی که گرفته شد) داخل در مشرکین بوده و مصادیقی از آن می‌باشند.

مصادیق مشرکین به اختصار چنین است:

۱- مشرکین عصر نزول وحی و بعثت پیامبر اکرم (ص):
بخشی از مشرکین، مشرکین عصر پیامبر (ص) و زمان نزول وحی بوده و بت پرستان مکه هستند و همان گونه که بیان گزشت عموماً شرک در عبادت داشتند و هر کجا قرآن کریم مشرکین را با الف و لام عهد آورده باشد، باید اشاره به همین قسم از مشرکین بوده‌اند، فعلاً بقایایی از آنها نمانده است مشرکین عصر نزول وحی خدای خالق را یکی می‌دانستند و در تدبیر و ربوبیت عالم هم عموماً به همان یکی معتقد بودند، لکن در عبودیت شرک داشته و بتان را پرستش می‌کردند، عده‌ای از آنان هم بودند که بتان را در اداره عالم

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۵۴

و تدبیر جهان موثر می دانستند، یعنی شرک در ربوبیت داشتند و این معنا از آیات شریفه ای که بیان آن گذشت مستفاد می باشد.

۲- گروهی از مسیحیان:

آنان که قائل به تثلیث بوده و به سه آفریدگار جهان معتقدند و بر این باورند که در وجود عیسی مسیح (ع) جوهره ربوبی است و یا به لوگوس که واسطه خلقت هست معتقدند، که الآنهم طوائفی از مسیحان چنین اعتقاد دارند.

۳- گروهی از زرتشتیان:

آنان که قائل به ثنویت در ذات بوده و به دو گوهرزاده مانده، اهورا، مفردا، و اهریمن قائلند یکی را خالق حیرات و دیگری را خالق شرور می دانند.

۴- گروهی از مفوضه:

بخشی کوچک از مسلمانان که شاید هنوز هم بقیائی از آنان باشد و تحت عنوان «علی الهی» فالیت می کند قائلند که پیامبر اکرم (ص) یا آئمه واسطه در خلقت اند و به صورت مستقل عمل خواهند کرد و این گروه مفوضه از مسلمانان، مشرک می باشند (البته مفوضه گروهی مختلفی دارد که همه آنها مشرک حساب نمی شوند) و نیز گروهی از مسیحیان که قائلند «لوگوس» واسطه در خلقت است اگر به صورت مستقل قائل باشند داخل در مفوضه بوده که مشرک هستند

۵- صائبین قدیم:

این فرقه قائل بودند که زمین دارای هفت اقلیم (قاره و سرزمین) می باشد و هفت ستاره را نگهبان آن هفت اقلیم می شمارند، به صورتی که قدرت تاثیر گزاری خیر و شر در آن اقلیم ها را دارا بودند، از این رو آن ستارگان را می پرستیدند. فلذا آن ها هم مشرک به حساب می آیند.

۶- چینیان قدیم:

بیش تر مردمان چین قدیم معتقد به ثنویت و حکومت دو اصل بر جهان بودند.

الف: «شانگتی» مظهر جنس مزگر یا مثبت یا نور، که خدای چرخ و افلاک و نیز پاداش دهنده و مجازات کننده نیکان و بدان در این دنیا است

ب: «هائن» مظهر جنس مونث یا منفی و تاریک و این دو مورد پرستش قرار گرفتند و به تدریج خدایان دیگری بران ها افزوده شد.

۷- مصریان قدیم:

مصریان قدیم آئین چند خدائی (poly thism) بنیشان رائج بوده آنها حدودا دو هزار خدا داشتند.

۸- ایرانیان قدیم:

آنان دارای خدایان متعدد بودند «امشاسپندان» مظهر خدایان شش گانه زرتشت بودند که عبارت بودند از شش

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۵۶

فرشته به عنوان مسئولان و خدایان آتش، فلزات، آبها، گیاهان، ستاره ها و سیارات، مهد این آئین کشور ایران بود.

۹- رومیان قدیم:

در بین آنان هم پدیده چند خدائی رواج داشت آنها حدوداً سه هزار خدا به نام ارباب انواع داشتند، زیرا هر چیزی و هرکاری نزد آنان خدایی مخصوص داشت خدای تولد کودک، خدای تعلیم اولین فریاد به کودک، خدای تعلیم آشامین، خدای در خانه، خدای پاشنه در، خدای شخم، خدای کشت، خدای بذر پاشی، و...^۱ یکی از بزرگان روم گفته بود که خدایان کشور ما در معابر محافل بیش از جمعیت مردم مان هستند.

۱۰- یونانیان قدیم:

در بین یونانیان قدیم پدیده چند خدائی رواج داشت آنها به پرستش ارباب انواع روی آورده بودند، هر خدائی مسئولیت نگه داری و تربیت نوعی از موجودات را بر عهده داشت مثلاً «زنوس» خدای بشر بود و ربّ الارباب به حساب می آمد «دهرا» زن زنوس و هرمس و ارمیس واپولون، فرزندان زنوس و به ترتیب خدایان باران و ماه و خورشید بودند. علاوه بر اینها خدای دریا، زمین، کار و کشاورزی و... هم بودند.^۲

۱. جهت اطلاع بیشتر به تاریخ روم ج ۱ ص ۲۹ مراجعه شود

۲. به تاریخ ملل شرق، ج ۳ ص ۱۷۱ مراجعه شود

۱۱- توتّم پرستی:

در بین اقوام ادیان باستان توتّم پرستی رواج داشته است و هر قبیله ای نوع توتّم داشت که روح آن قبیله محسوب می شد و پرستش میگردد..^۱

۱۲- طرفداران و معتقدان مثل افلاطونی:

افلاطون برای هر نوع از موجودات عالم طبیعت یک قوه مجرد عقلی فرض می کرد که ثابت از تغیر و زمان و مکان بود و افراد و مصادیق مادی پرتوئی از آن بودند البتّه چنانچه این مثل مستقل و بدون مشیت الهی اقدام به خلق و پرتو افکنی می کردند و یا پرستش می شدند مصداقی از شرک بوده است.

۱۳- - معتقدان به عقول طولی افلاک نه گانه و عقول

عرضی انواع موجودات در فلسفه قدیم:

برخی از ادیان بشری در سابق بوده است که الآن هم وجود دارد و دارای طرفداران زیادی در شبه قاره هندوستان و چین و ژاپن می توان یافت که اطلاعات مختصر (برای مسلمانان شبه قاره چین و ژاپن و به ویژه هندوستان) از آن ها مفید خواهد بود که در ذیل ذکر می کنیم:

۱۴- هندوئیسم:

این آئین در قدیم دین برهمنائی خوانده می شد و به وسیله برهما به خدای هندوان اشاره می کردند.

۱. توقیشی، علی اصغر، آشنائی با ادیان بزرگ ص ۷

بنیانگذار این آئین شناخته شده نیست این آئین به گونه ای از فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت هم‌ره باشد و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است. اصول دین هندو عبارت است از، اعتقاد و احترام به کتاب‌های باستانی و سنت‌های دینی برهمنان و پرستش خدایانی که به ظهور آنها در دوره‌های قدیم اعتقاد داشته‌اند، اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج. همچنین احترام به موجودات زنده مخصوصاً گاو از اصول دین هندو است.

خدایان هندوان:

هندوان به عده بی شماری از خدایان آسمانی و زمینی با اسماء و صفات عجیب و غریب معتقدند و در مقابل آنها کرنش می‌کند، و برای هر یک بتخانه‌های با شکوهی می‌سازند و این خدایان که وداها نام دارند باهم خوشاوندی سببی و نسبی دارند.

در کتب مقدس هندوان ویژگی‌های جسمی و روحی هر یک از خدایان با تفصیل و ذکر جزئیات آمده است دسته بندی خدایان هندو عبارتند از:

- _ اگنی (agni) یعنی آتش.
- _ ایشوارا (is vara) یعنی قادر متعال.
- _ وارونا (varuna) یعنی آسمان.
- _ روردرا (rudra) یعنی وحشتناک.
- _ کریشنا (krishna) یعنی آبیرونگ.

_ یاما (yama) یعنی ازابه ران.

_ آشوین (as vin) یعنی اسب سوار.

پرستندگان بت مونث و بت ترکیب کالی (kali) به معنای سیاه معتقدند هدایای ویژه این بت را باید از طریق راه زنیه دست آورد تقدیم بت خانه کرد آنها در آغاز بت و بت خانه نداشتند و مراسم عبادی خویش را در فضای باز انجام می دادند و به خدایان مزکر که معمولاً نماد اجرام سماوی بودند داشتند در دوران های بعد بت های بی شمار و بت خانه های با شکوه و گوناگون مانده الهه زمین، مار کبری و غیره را به مجموعه خدایان خود افزودند.

آنان سه خدا را از همه خدایان برتر می دانند که خدایان تثلیث (hendu-trimuti) می باشد و عبارت اند از: ۱_ برهما یعنی خدای ایجادکننده ۲_ شیوا یعنی خدای فانی کننده که مجسمه چهار دست و پا در حال رقص او فروان است رقص شیوا نقش او را در ایجاد و انهدام نشان می دهد. ۳- یشنو، یعنی خدای حفظ کننده. آئین هندو فرقه های بی شماری دارد که با یک دیگر در صلح و صفا به سر می برند پیراوان هر یک از این فرقه های بر جنبه خاصی از دین هندو تاکید دارند و معمولاً به یکی از خدایان روی می آورند طرفداران هر یک از شیوا، وشنو جمعیت بزرگی را تشکیل می دهند از اعتقادات مهم هندوان اعتقاد به تناسخ است.

شاخه های مهم هندوئیسم:

یک- آئین جاینی:

به اعتقاد جاینی ها بنیانگذار این آئین «مهاویرا» یعنی

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۰

بزرگ قهرمان نامیده می شود بیست و سه پیشوا طی هزاران سال قبل از وی برخاسته اند و او بیست و چهارمین پیشوا است در آئین «جاین» در یوزگی خواری و برهنگی از فضائل به حساب می آید .

به عقیده آسمان جامگان که یکی از فرقه های جاینی است ، زنان راهی به کمال ندارند و برای این امر باید به انتظار مرد شدن در دوره های بعدی تناسخ باقی بمانند .

آئین جاینی علاوه بر پذیرش اصول معارف هندوئی و پدیده چند خدائی مسائل تازه ای مطرح می کند و بر قواعد اخلاقی شدیدی اصرار می ورزد آنان دارای فرهنگ دینی مکتوب بوده و تعداد ۳۹ کتاب دینی به آنان نسبت داده اند از جمله یادگارهای آنان در مسئله شناخت حقیقت وجود، داستان فعلی است که آنرا در جای تا یکی قرار داده بودند و مردم می خواستند با دست مالیدن به شکل فعل آگاه شوند و هر کدام قضاوتی نا درست در این باب می کردند. هم اکنون حدود دو میلیون پیرو آئین جاینی در هندوستان وجود دارند که روزگار برتن آنان لباس کامل پوشانده و به جای گدائی سرگرم تجارت هستند و وضع اقتصادی خوبی دارند آنان آئین خود را نوسازی کرده اند و تنها قدیسان و اندکی از ایشان در زندگی به آن روش های عجیب و غریب روی می آوردند

دو- بودئسیم:

یکی از شاخه های مهم آئین هندو بودا پرستی است این

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۱

آئین (بودیسم) از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را در نوردیده و به علت داشتن اندیشه های عرفانی لطیف و گسترش در مناطق پر جمعیت جهان پیروان زیادی دارد و اخیراً به اروپا و امریکا سرایت کرد.

- بنیانگذار آئین بودا:

بودیسم توسط شخصی به نام (budda) به معنای بیدرا لقب پایه گذاری شده او شاهزاده ای از شمال هندوستان بود و در حدود سال ۵۳۶ ق م به دنیا آمد او که بعد از پدرش شاه شده بود در سن ۲۹ سالگی پیش از مشاهده یک سری نا ملایمات شبانه کاخ تنعمات را رها و به زندگی رهبان پیوست. سی سال در ریاضت به سر برد و شش سال هم به تامل، تفکر و مراقبت معنوی بود تا این که پس از هفت هفته توقف زیر درختی که بعداً درخت بیداری خوانده شد، با، مارا، یعنی شیطان ویرانگر مبارزه کرد در نهایت به حقیقت دست یافت و بودایی دوره کنونی شد.

به عقیده بودائیان قبل از بودا قبل از بودای کنونی و در دوران های پیشین هم جهان شاهد هواهای دیگر بوده است.

داستان زندگی شگفت انگیز بودا از قدیم الایام جزائیت داشته است و به همین دلیل این داستان دینی به زبان های گوناگون ترجمه شده و در سراسر جهان انتشار یافته است نقل عربی آن با اضافاتی در فرهنگ سریانی به عنوان داستان «بلوهر» و یوذاسف، بین مسلمانان رواج دارد.^۱

۱. رجوع شود به کمالدین صدوق-ج ۲ ص ۵۷۷-۶۳۸، بحارانوار، مجلسی، ج ۸ ص ۶۴۴-۲۸۲ و

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۲

-فرقه های بودائی:

- ۱- مهاییانا: یعنی چرخ بزرگ، این در چین رواج دارد
- ۲- هینایانا: یعنی چرخ کوچک، این آئین در سری لانکا و کشورهای جنوب، شرق آسیا مشاهده می گردد.
- ۳- وجریانا: یعنی چرخ الماسین فقه در تبت وجود دارد و آئین و بدا را با سحر و کهنانت و توتم پرستی در آمیخته و تشکیلاتی نیرومند برای پدید آورده است .

سه آئین سیک ها:

انشعابات تازه تری نیز در آئین هندو وجود دارد که آئین سیک یعنی شاگرد معروف ترین آن ها است برخورد اسلام و هندوئیسم در دوران های گوناگون، مذاهب التقاطی چندی را پدید آورده است .

یکی از عرفای بزرگ مسلمان به نام کبیر (۱۱۴۰-۱۵۱۸) توحید اسلامی را با برخی عقائد آئین هندو در آمیخت و مریدان بی شماری گرد آورد.

سیک ها به تجارت گرایش دارند و افرادی از آنان به سراسر جهان مهاجرت کرده و به بازرگانی مشغولند.

تعالیم سیک ها:

نانک علاوه بر پذیرش اصول هندو خدای یکتای جهان را حق نامید اومی گفت خدا به هر نامی که خوانده شود فقط

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۳

او قادر و متال و حق است سعادت و وصول به نیروانا همان استغراق در ذکر حق است او «یاما» یا صورت وهمی جهان که در دین هندو آمده است را پذیرفت و گردونه تناسخ و قانونی عمل و عکس العمل را تا حدودی قبول کرد نانک خوردن گوشت را برای پیروانش مباح دانست ریاضت و بت پرستی را ممنوع کرد و نظام طبقاتی و تعدد زوجات را هم حرام کرد.^۱

۱۵- آئین کنفوسیون:

این آئین یک شرکت آلوداست کنفوسیوس حکیم و سیاستمدار چینی آئینی تازه برای مردم چین آورد او ابتدا دارای مقبولیت عامه شد ولی سپس از رونق افتاد و جای خود را به آئین بودا داد .

کنفوسیوس که در مسائل اجرائی و مناصب حکومتی بود، پس از چندی دست از این ها کشید و به ترتیب شاگردان پرداخت و شاگردانش پیام های او را به همه رساندند. کنفوسیوس قبل از هر چیز یک معلم اخلاق بود و دینی هم که مطرح می کرد بسیار ساده بود و به دور از مسائل ماوراء طبعیت بود و بیش ترین سعی او در آن بود که خود را با عبادات و مناسک برای موجود زمان خویش وفق دهد. کمکم پس از مرگ او در سال ۱۹۵ ق م هنگام زیارت آرامگاه او برای او قربانی گزاردند و این یک رسم شد و حلت پرستش به خود گرفت تا این که در سال ۱۹۱۱ ادای احترام رسمی و دولتی به روح کنفوسیوس در چین به تدریج ترک شد.

۱. توقیفی، علی اصغر، آشنائی با ادیان بزرگ ص ۵۱

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۴

۱۶- تاتوئیسم:

یکی دیگر از ادیان شرک آلود است که برای نخستین بار در سال ۶۵ ام یکی از پادشاهان چین معبدی ساخت به نام لاتوتسه و هدایائی تقدیم آن معبد به نام تاتوئیسم می شد.

۱۷- آئین شینتو:

یعنی طریقه خدایان.

این آئین از آئین های بشری شرک گونه ژاپن باستان لست در این آئین الهه خورشید به نام «اماربراسور» نگهبان سرزمین اجدادی است و خاندان سلطنتی را از نسل این خدا و تجسم او می شماردند .

پرستش خدایان ملی و امپراطور، کرنش و قربانی برای مردگان و وطن پرستی از اداب این آئین است^۱.

۱. توفیقی، علی اصغر، آشنائی با ادیان بزرگ ص ۵۸

اهل کتاب:

مطابق تقسیم بندی که قبلا ارائه شد، اهل کتاب هستند که دارای دینی الهی با منشایی وحیانی باشند که این ادیان ابراهیمی هستند که عبارتند از: یهود و نصارا و یا غیر سامی که عبارتند از: زرتشت و صائین که در خصوص گروه اول اختلافی نیست، لکن در گروه دوم اختلاف است

اصطلاح اهل کتاب، سی و یک بار در قرآن کریم آمده و در بسیاری از آن موارد در مقابل «مشرکان» ذکر شده است، و این خود نشانه مغایرت مفهوم آن دو است. قرآن در موارد بسیاری، احکام آن دو گروه را از هم تفکیک کرده است این تفکیک را به روشنی می توان در آیات اول ملاحظه کرد، زیرا پس از آن که خداوند در ۲۸ آیه اول این سوره به بیان احکام مشرکان و بت پرستان قریش می پردازد و به کشتار و قتل آنها فرمان می دهد- مگر آن گاه که به اسلام ایمان بیاورند می فرماید:

فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوا لَهُمْ
 اَخْرُوهُمْ وَ اَعْدُوا لَهُمْ كُلٌّ مَرْصِدٌ فَاِنْ تَابُوا وَ اَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ اِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱

مشرکان را هر جا یافتید! به قتل برسانید؛ و آنها! را اسیر سازید؛ و محاصره کنید و در هر کم فروشی بر سرآمد راه آنها) بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها) را رها سازید) زیرا خداوند آمرزنده و

۱. سوره توبه آیه ۵

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۶

مهربان است.

ویژه اهل کتاب را بیان می کند و تا زمانی که تسلیم شوند و حاضر به پرداخت جزیه شوند کشتار آنان را جایز می داند و در تسلیم و پرداخت جزیه در امان خواهند بود:

فَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ^۱.

با اهل کتاب که [بر اساس قرآن] به خدا و روز قیامت مؤمن نمی شوند، و آنچه را خداوند و پیامبرش حرام کرده اند حرام نمی شمارند، و دین حق را نمی پذیرند بجنگید! تا با دست خود با نهایت فروتنی جزیه بپردازند

مقصود از «اهل کتاب» پیروان دیگر ادیان آسمانی هستند که پیامبر و کتاب آسمانی ندارند فقهای اسلامی علاوه بر اهل کتاب؛ ادیان دیگری را به عنوان «من له شبهة کتاب» مطرح کرده اند؛ یعنی ادیانی که هر چند در آسمانی بودن آنها و بعثت پیامبر الهی و ارسال کتابی آسمانی برای آنها تردید وجود دارد، چون پیروان آن ادیان ادعای آسمانی بودن دین شان را دارند، محتمل است که واقعا اهل کتاب باشند بنا براین، آنان نیز دارای حکم اهل کتاب خواهند بود. در جهان، علاوه بر اسلام، فقط دو دین آسمانی وجود دارد که به طور مسلم و به اتفاق آرای علمای اسلامی اهل کتاب اند: «یهود» و «مسیحیت» قرآن کریم به اهل کتاب بودن پیروان این دین اشاره کرده، می فرماید: أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۷

الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ^۱
 (ما این کتاب را با این امتیازی نازل کردیم) تا نگوید:
 «کتاب آسمانیت تنها) بر دو طایفه پیشاپیش از ما (یهود و
 نصاری) نازل شده بود و ما از بحث و بررسی آنها) بی خبر
 بودیم.

گفتنی است که نباید هم چون برخی، این آیه را دلیلی
 بر اهل کتاب نبودن بقیه ادیان عالم گرفت؛ زیرا اولاً این آیه
 متعرض ادیان دیگر نشده و از حکم درباره آنها ساکت است
 و سکوت را نمی توان دلیل بر نظری خاص دانست ثانیاً،
 چنانکه شیخ طوسی در تفسیر «التبیان» فرموده است،^۲:
 «بِالطَّائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى ... وَ اِنَّمَا خَصْنَا بِالذِّكْرِ
 لَشَهْرَتَهُمَا وَ ظُهُورِ امْرَهُمَا»

ذکر این دو دین در آیه شریفه، به علت شهرت و وضوح
 کتابی بودن آنها است، نه به انگیزه انحصار. ثالثاً همان طور
 که رشید رضا در تفسیر «المنار» نقل می کند قرآن کریم به
 دلیل این دو دین به عربستان و مسلمانان نزدیک تر و مورد
 حاجت و نظر بیشتر بوده اند، مطرح فرموده است^۳
 اما از گروه دوم که مشابه و در حکم اهل کتاب اند، دو
 مورد بیشتر مورد نظر فقیهان و مفسران قرار گرفته: یک:
 مجوس دو: صائبین.

مجوس:

درباره معنای این دو، و شناخت آئین و اعتقاد آنان و نیز

۱. انعام آیه ۱۵۶

۲. شیخ طوسی: محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴ ص ۳۵۰

۳. رضا سیفی مقدسی، اهل کتاب عقیده و زواجا، ص ۳۳۸ به نقل از رشید رضا

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۶۸

حکم آنها ابهام و اختلاف نظر شدیدی بین علما وجود دارد. برخی از نویسندگان، مانند شهرستانی (که از بزرگترین دین شناسان است) در ملل و نحل «ان الناس ینقسمون الی اهل الدیانات و الملل و الاهواء و النحل، فهم علی قسمین: الف: ارباب الدیانات مطلقا مثل المجوس و الیهود و النصری و المسلمین...»^۱ به راستی مردم تقسیم می شوند به اهل دین ها و شریعت آنها بر دو قسم هستند: الف: اهل دین ها مانند یهود و النصری و المسلمین...

او مجوس را اهل کتاب دانسته است.

همچنین شیخ طوسی در کتاب «خلاف» المجوس کان لهم کتاب، ثم رفع عنهم.^۲ برای مجوس کتابی بود و از آن گرفته شده و ضائع شده است.

مجوس را اهل کتاب و دارای پیامبر و کتاب آسمانی شمرده اند. برخی دیگر مانند محقق حلی در «شرائع» الرکن الثالث فی احکام اهل الذمه، الاول من تؤخذ منه الجزیه.^۳ رکن سوم در احکام اهل ذمه، آن کسی است که از او جزیه گرفته می شود.

علامه حلی در «منتهی» طبق نقل صاحب جواهر مجوس را در حکم اهل کتاب می داند

.. و نعنی بالکتابی من له کتاب حقیقة و هم الیهود و النصری و من له شبهة کتاب و هم المجوس.^۴

۱. شهرستانی، محمد بن عبدالحکیم الملل و النحل ج ۱ ص ۱۸۹، مکتبه الحسین، التجاریة، مصر، چاپ اول ۱۴۶۸ ه ق.

۲. الخلاف، کتاب الجزیه، ج ۲، ص ۵۱۰، مسأله ۳.

۳. محقق حلی، شرائع السلام، ج ۱، کتاب الجهاد، ۲۹۸، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه ق.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۲۸، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث.

علامه حلی در منتهی می فرماید: منظور از کتابی کسی است که برای او کتاب باشد و آنها یهود و نصاری هستند و آن کس که برای او شبهه کتاب است آنها مجوس هستند. و نیز خود صاحب جواهر از کسانی است که آنها را در حکم اهل کتاب می داند ایشان می گوید: کذا من له شبهة کتاب و هم المجوس بلاخلاف اجده فیه.^۱

و شیخ طوسی در « مبسوط » و من له شبهة کتاب فهم المجوس.^۲

مجوس را در حکم اهل کتاب دانسته اند. عده ای از فقها، زرتشتان را مشرک و غیر کتابی معرفی کرده اند، و ابن قیم جوزیه در کتاب احکام اهل الذمه می گوید: انهم قوم یعبدون النار و یعتقدون ان للعالم الهین و لایؤمنون بعث و لانشور.^۳ آنها را مشرک و غیر کتابی دانسته اند. عده ای نیز مانند قرطبی هم در تفسیرش، آنان را غیر کتابی و چنین معرفی کرده است: المجوس هم عبدة النیران القائلین ان للعالم اصلین نور و ظلمة.^۴ در تفسیر خود آنان را آتش پرست معرفی کرده اند. اکثر دانشمندان، مجوس را همان زردشتیان دانسته و عده ای، مانند علی اصغر حکمت در « تاریخ ادیان » آنها را پیروان « آیین مغان » قبل از دوره زردشت می دانند.^۵ اما درباره صابئین اختلاف اختلاف شدید تر وجود دارد.

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۸.

۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، ج ۲، کتاب الجهاد، ص ۹، المكتبة المرتضوية لاحیا الاثار الجعفرية، تهران، چاپ دوم، بی تا.

۳. رضا سیفی مقدسی، اهل الکتاب عقیده و زواجا، ص ۳۲۶ به نقل از کتاب « احکام اهل الذمه » تألیف ابن قیم، ج ۱، ص ۲۴۰

۴. قرطبی، ابن رشد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ۱۶

۵. علی اصغر حکمت، تاریخ ادیان، ص ۱۴۶

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۷۰

عده ای آنان را ستاره پرست و برخی، آنها را فرقه ای از مسیحیت و بعضی دیگر؛ آنان را پیروان حضرت نوح می دانند. اقوال متعددی را صاحب جواهر در کتاب نقل کرده است صاحب جواهر در سبب نام گذاری این ادیان به «من له شبهة کتاب» نکته ای جالب توجه بیان کرده، می فرماید: شاید تعبیر به «شبهة اهل کتاب» به علت آن است که معلوم نیست کتاب هایی که اکنون در دست پیروان این ادیان است، حد اقل بخشی از کتاب آسمانی اصلی شان باشد؛ چرا که در احادیث هم تصریح شده است که آنها کتاب آسمانی را سوزانده اند، یا آن که خود از بین رفته است.^۱

نیز صاحب جواهر به ابن جنید نسبت می دهد که جزیه از صائین گرفته شده و معامله کتابی با آنها می شود ایشان می گوید: *أما الصائبون فعن ابن جنيد التصريح ياخذ الجزية منهم و الاقرار على دينهم.*^۲

سپس ایشان اضافه می کند:

و لا باس به (اخذ جزیه و اقرار به دین شان) ان كانوا من احد الفرقة الثلاثة (يهود و نصارى و مجوس).^۳

همچنین ایشان پس از نقل قول دو طرف (گروهی که آنان را اهل کتاب می دانند و گروهی که صائین را خارج از عنوان و احکام اهل کتاب می دانند) می گوید:

لكن الموجود في زماننا منهم (صائين) في دارالاسلام يعاملون معاملة اهل كتاب.^۴

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۰

۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۰.

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۱.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۳۱.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۷۱

به هر حال، برای آشنائی بیشتر با هر یک از این چهار گروه به معرفی اجمالی هر یک می پردازیم:

الف: یهود:

یهودیان خود را پیروان حضرت موسی از پیامبر بزرگ الهی و کتاب مقدس خود را تورات نازل شده بر موسی می دانند، برخی صاحب نظران بیان می دارند که بر حسب محاسبات تاریخی داستان مربوط به تولد و کودکی حضرت موسی مربوط به سال ۱۲۵۰ قبل از میلاد بوده است.^۱ اساسی ترین رکن این دین توحید بوده است. چنانکه هنوز هم شعار روزانه آنان که آن را بر میت تلقین می کنند این آیه از تورات است.^۲

یهودیان معتقدند که تنها پیامبر صاحب شریعت که از طرف خدا مبعوث شده است حضرت موسی است و پیامرانی که پیش از وی آمده اند فقط تذکراتی و نصایحی اخلاقی و برخی اصول عقلانی را بیان و توضیح داده اند. و پس از آن حضرت پیامبر صاحب شریعتی نیامده است.^۳

ب: مسیحیت:

مسیحیت با دو هزار سال سابقه امروز بزرگ ترین دین

۱. علی اصغر حکمت، آشنائی با ادیان بزرگ، ص ۷۷.

۲. علی اصغر حکمت، آشنائی با ادیان بزرگ، ص ۱۸۲.

۳. شهرستانی، محمد بن عبدالحکیم، ملل و نحل، شهرستانی، ج ۲، ص ۱۹۲. مکتبه الحسین، النجاریه، مصر، چاپ اول، ۱۴۶۸ هـ.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۷۲

جهان از نظر جمعیت محسوب می شود. مسیحیان به دو دلیل بر خوررداری از پیامبری بزرگ چون حضرت عیسی و کتاب آسمانی انجیل از مصادیق مسلم اهل کتاب می باشند. قرآن کریم هم این موضوع را بیان فرموده است.

گرچه حضرت عیسی افراد پاکی چون اکثر حواریون دوازده گانه را در دامن خویش پرورش داد.

اما دیری نپائید که پس از صعود حضرت به آسمان به ویژه پس از عصر حواریون، جهالت ها، برداشت های غلط، افسانه ها و خرافات بین پیروان دین مسیح (ع) شایع و دین مسیحیت مسیر تحریف پیمود.

برخی از مبلغان مسیحت جاهلانه و برخی مغرضانه افسانه های دینی دروغین و در موردی کفر آمیز را به مردم آموزش دادند.

ج: زرتشتیان:

زرتشت همان مجوسی است که در قرآن آمده است. صاحب المیزان چنین می فرماید: المجوس المعروف انهم زرتشت و کتابهم المقدس اوستا.^۱ زرتشت هزار سال قبل از میلاد ادعای نبوت کرد و علیه خرافات آئین مغان و اعتقادات شرک گونه چند خدائی مبارزه کرد و ایرانیان را به خدای هستی (اهوارا مزدا) دعوت کرد. پس از یک دهه ریاضت سه اصل را شعار خود قرار داد، پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک. او پس از داریوش هخامنشی ظهور کرده دین زردشت هزار سال بر ایران حکومت داشت و آتشکده فارس همچنان

۱. علامه ضباطبائی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۵۸.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۷۳

روشن بود تا در حمله اسکندر (۳۳۰ قبل از میلاد) ویران شد. و کتاب مقدس اوستا که بر ۱۳۰ چرم گاو نوشته شده بود و در قصر سلطنتی استخر نگه داری می شد، طعمه حریق گشت. با شروع حکومت اشکانیان دوره انحطاط زرتشت شروع شد، لکن اردشیر بابکان در سال ۲۲۶ دین زرتشت را احیا کرد و اوستا را به فارسی ترجمه نمود و نام زند را بر آن نهاد در دولت ساسانیان بعد از شاه موبدان نقش اول را داشتند. با ظهور اسلام ایرانیان از آئین زرتشت دست برداشتند و به دین اسلام روی آوردند.^۱

د: صائین:

از دیگر مکاتبی که در خصوص اهل کتاب بودن آنان بین دانشمندان اسلامی تردید جدی وجود دارد، صائین هستند. در قرآن سه بار از صائین نام برده شده است در دو آیه با لحن ملایم و عادی اسم آن ها کنار دیگر پیراوان ادیان آسمانی ذکر شده است به این شرح:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. سوره مائده، آیه ۶۹ آنها) که ایمان آورده اند و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیفزایند و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنیم! و نه غمگین خواهند شد.

و سومین آیه، آیه سوره مبارکه سوره حج است به این

۱. علی اصغر حکمت، آشنائی با ادیان بزرگ ص ۱۵۰-۱۴۶.

شرح:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابِئِينَ وَ النَّصَارَى وَ
 الْمَجُوسَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ
 اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (سوره حج، آیه ۱۷)

مسلمانا کسانى كه ايمان آورده اند و يهود و صابئان و نصارى و
 مجوس و مشركان، خداوند مى گفـت: آنان، روز قيامت!
 داورى مى كـرد! (و حق را از باطل جدا مى رسد، خداوند بر
 هر چيز گواه (و همواره آگاه) است. (۱۷)

صبي در لغت به معنای میل است و چون صابئین از دین
 حنیف و آسمانی خویش به انحراف و شرک میل پیدا کردند،
 صابئین نامیده شدند راغب اصفهانی می گوید: فالصابئى
 فى اللغة من خرج او مال من دين الى دين. ^۱ در فرهنگ
 دهخدا است که اصل صابئین صابعین به معنای مغتسلین
 است یعنی غسل و تعمید کننده گان و چون فرقه صابئین
 دارای سنت تعمید بوده اند این نام را گرفته اند. ^۲

فرقه های محکوم به کفر:

الف_ منکران ضروری دین: کسانی که یکی از احکام
 مسلم دینی با علم به آن انکار دارند به گونه ای که انکار
 آن ها بر گشت به انکار یا تکذیب نبی بکند که در این صورت
 کفر آن ها و بحث طهارت و نجاست آن ها مطرح می شود
 به آنان مرتد می گویند که بر دو قسم فطری و ملی تقسیم
 پذیرند.

ب_ خوارج: کسانی که علیه امام به حق و معصوم (ع)

۱. رجوع به مفرداب راغب، ص ۴۰۵، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲. دهخدا، علی اکبر لغت نامه دهخدا حرف صاد. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
 تهران، چاپ دوم، از دوره جدید ۱۳۷۷ ش

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۷۵

خروج بکنند و به عقائد سخیفی رو بیاورند.
ج_ نواصب: به اشخاصی اطلاق می گردد که نسبت به
آئمه (علیهم السلام) نصب و دشمنی دارند و این دشمنی را
آشکار کرده و دشنام می دهند .
د_ غلات: اشخاصی که در خصوص پیامبر و آئمه (علیهم
السلام) غلو داشته و آنان را به مقام الوهی بالا می برند.

فصل دوم

حکم کفار از نظر طهارت و نجاست

- ✓ گفتار اول: کفار مقطوع النجاسة و مستندات آن.
- ✓ گفتار دوم: کفاری که نجاست آنها اختلافی است و ادله آن.

گفتار اول : کفار مقطوع النجاسة و مستندات آن :

در فصل اول مفهوم واژه «شرك» و انواع مشرکان در فرهنگ شریعت اسلام به ویژه در قرآن تصریح شده و نتیجه کلی که از آن حاصل می شود عبارت است از این که: واژه مشرك در شریعت اسلام سه نوع مفهوم دارد. به تعبیر دیگر مفهوم عام در بر گیرنده هر کسی که به نوعی شريك برای خدا در یکی از مقامات و شئون خاص وی قائل شود. این مفهوم شامل افراد زیر می باشد.

۱- کسی که برای خدا شریکی در عبادت قائل شود . مانند بت پرستان و مشرکان قریش.

۲- کسی که برای خدا شریکی در ذات و خالقیت و یا ربوبیت و تدبیر عالم قائل شود.

۳- کسی که برای خدا شریکی در اطاعت قائل شود، مثلاً عملی را به نیت غیر خدا انجام دهد.

پیشتر بیان شد که گرچه واژه مشرك در مواردی از قرآن و احادیث و کلمات علماء اسلامی در مفهوم سوم هم بکار برده شده است، اما اصطلاح رایج در قرآن و سخنان

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست ۸۰

بزرگان اسلام همان مفهوم اول و دوم است. چنانچه مقصود از موضوع مشرکان در این فصل نیز همین مفهوم اول و دوم است.

اقوال فقهاء:

اکثر قاطع فقیهان شیعه از گذشته تا حال قائل به نجاست ذاتی مشرکان بوده اند. حتی بسیاری از فقیهانی که به طهارت اهل کتاب فتوا داده یا قائل به احتیاط در باره ایشان شده اند، در نجاست مشرکان تردیدی ننموده‌اند بر همین اساس ادعای اجماع و نبود اختلاف در بین فقهای شیعه نسبت به مشرکین خیلی بیشتر از نجاست اهل کتاب است.

مستندات نجاست مشرکان :

نجاست مشرکان دلیل تازه‌ای علاوه بر ادله نجاست اهل کتاب ندارد، بلکه همان ادله با اندکی تفاوت مورد استدلال فقیهان در این حکم قرار گرفته است. مستندات نجاست آن عبارت است از :

ادله قرآنی بر نجاست مشرکان :

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۸۱

۱- آیه شریفه **إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ^۱**

نحوه دلالت آیه: معنی «نجس» روشن است. که مقصود همان حکم فقهی نجاست است و قرآن به صراحت مشرکان را نه تنها نجس بلکه عین نجاست شمرده و لذا به جای استعمال کلمه مشتق، لفظ مصدر «نجس» را به کار برده است. مانند اینکه بگویند: زید عدل

۲- آیه شریفه

آیه دیگری که در خصوص نجاست کفار اعم از مشرکین و غیر مشرکین مورد استدلال قرار گرفته است، آیه شریفه ۱۲۶ سوره مبارکه انعام است آیه چنین است:

فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَمَّا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ^۲ معنای آیه: پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنان که گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود. این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.

کیفیت دلالت آیه شریفه:

از آنجا که در این آیه شریفه خداوند تبارک و تعالی

۱. التوبة آیه ۲۸.

۲. انعام آیه ۱۲۶.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۸۲

اشخاصی را که مومن نیستند «رجس» خوانده است و با این ادعا که رجس در لسان قرآن کریم به همان معنای نجاست شرعی است، مشخص می گردد که کفار (مشرکین و غیر مومنین) نجس هستند و باید از آنها احتراز کرد.

دلایل تمسک کنندگان به این آیه برای نجاست مشرکان :

برخی به دلائلی تمسک جسته اند تا نجاست غیر مومنین را از این آیه شریفه استفاده کنند که آن ادله عبارت اند از :

الف: ادعای این که معنای حقیقی رجس نجاست شرعی است: مرحوم محقق حلی در کتاب معتبر می گوید: معنای حقیقی لفظ رجس همانا مفهوم نجاست مصطلح فقهی است و بر همین اساس آیه شریفه حکم نجاست شرعی را برای غیر مومنین ثابت می کند^۱.

ب: رجس چنانچه مطلق به کار رود دلالت بر نجاست شرعی دارد: از آنجا که مطابق ادعای محقق حلی معنای حقیقی و موضوع له لفظ «رجس» «مایکره» و آنچه ناپسند است می باشد هر گاه این کلمه به صورت مطلق به کار رود مکروهات و ناپسندها را از هر جهت در بر می گیرد.

ج: ادعای اجماع بر این که رجس به معنای نجس است: مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب در خصوص معنای رجس آورده است که همه علماء اتفاق دارند که رجس نجس است و نیز طبرسی هم در مجمع البیان آورده است که

۱. محقق اول، المعتبر فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۹۶، قم موسسه سید الشهداء.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۸۳

ظاهراً مقصود شیخ طوسی آن بوده است که علماء اتفاق نظر دارند که معنی و مقصود از رجس در این آیه نجاست است^۱. یعنی شاید مراد از اتفاق به معنای اجماع بر این می باشد که در این آیه رجس به معنای نجاست شرعی است.

نقل و بررسی اقوال علماء پیرامون دلالت آیه :

علامه حلی (ره) در کتاب «تذکره الفقهاء» یکی از ادله نجاست کفار را همین آیه مورد بحث دانسته است^۲. و همچنین ایشان در کتاب «نهاية الاحکام فی معرفة الاحکام» می نویسد: کافر نجس است لقوله تعالی «... کَذٰلِکَ یَجْعَلُ اللّٰهُ الرُّجْسَ عَلٰی الَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُوْنَ»^۳ همچنین ایشان می گوید: «المومن لیس بنجس»^۴ که با استفاده از مفهوم وصف می توان فهمید که فقط مومن نجس نیست و غیر مومن نجس است.

نیز مرحوم فخر المحققین در «ایضاح الفوائد» از مرحوم سید مرتضی نقل می کنند که به موجب دلالت این آیه شریفه بر نجاست غیر مومن، ایشان از نجاست کفار فراتر رفته و مخالفان را هم نجس دانسته اند^۵. همچنین مرحوم محقق حلی صاحب «المعتبر» نیز برای اثبات نجاست کافران به این

۱. خمینی، سید روح الله، الطهارة، ج ۳، ص ۲۹۸، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی جا، چاپ اول ۱۴۱۲ ه ق.

۲. حلی، حسن بن یوسف، بن علی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۶۷، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه ق.

۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، نهاية الاحکام، ج ۱، ص ۲۷۳.

۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، نهاية الاحکام، ج ۱، ص ۲۷۳، موسسه انصاریان، قم چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه ق.

۵. حلی، محمد بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، ج ۱، ص ۲۷.

آیه استدلال کرده است^۱ و آنگونه که صاحب «مجمع الفائدة و البرهان» از کتاب «المنتهی» علامه حلی نقل می کند مرحوم ابن ادریس حلی فتوا به نجاست غیر مومن داده است و خود مرحوم مقدس اردبیلی صاحب «مجمع الفائدة» حدس می زند که شاید مدرک مرحوم ابن ادریس همین آیه شریفه بوده است.

دلالت روایات بر نجاست مشرکان :

دومین بخش از دلائل اقامه شده بر نجاست مشرکان روایاتی است که به زعم مدعیان، دلالت بر نجاست مشرکان دارد و ما آنها را بررسی می کنیم.

در خصوص نجاست مشرکان روایتی در دست نیست. لکن در خصوص اهل کتاب روایات زیادی است که در بحث نجاست اهل کتاب ذکر خواهیم کرد عده ای معتقدند بخشی از این روایات دلالت بر نجاست اهل کتاب دارد. که این گونه روایات خود در چند طائفه جای می گیرند. بعضی از آنها نهی از مصافحه با اهل کتاب دارد. طائفه ای دلالت بر عدم هم غذایی با اهل کتاب و یا عده ای دلالت بر عدم عاریه دادن ظروف و لباس به آنها دارد و امثال اینها.

چگونگی دلالت روایات بر نجاست مشرکان :

بعضی از علما در بیان احتجاج و استدلال به روایات داله بر نجاست اهل کتاب جهت اثبات نجاست مشرکان به دلیل اولویت تمسك کرده اند.

۱. محقق حلی اول، المعتمر فی شرح المختصر، ج ۱، ص ۹۶، قم، موسسه سید الشهداء.

بیان وجه اولویت :

هرگاه اهل کتاب که پیرو دین آسمانی بوده، پیامبری بر آنها نازل گردیده، کتاب آسمانی دارند که منشأ وحیانی دارد، حال اگر چه این دین و کتابشان تا حدی تحریف شده است. و همچنین بسیاری از آنها معتقد به توحید، و یگانگی خداوند نبوت و رسالت عده ای از انبیاء الهی و کتب آسمانی و معتقد به معاد می باشند. به علت پاره‌ای از انحرافات و عدم تسلیم به دین حنیف و به اسلام، به حکم روایات نجس می باشند. (هرگاه چنین باشد) به طریق اولی مشرکان و کسانی که این همه اصول یا بعضی از آنها را منکرند، نجس خواهند بود. مرحوم آیه الله خوانساری می نویسد: «استدل ایضاً بالاخبار التي استدل بها علی نجاسة اهل الكتاب فإنها تدل علی نجاسة سایر الكفار بالاولوية»

ادله اجماع بر نجاست مشرکان :

یکی از مهمترین ادله ای که بر نجاست مشرکان اقامه شده است، اجماع فقهاء شیعه از زمان امام معصوم علیه السلام تا کنون است. به همین دلیل برخی از فقها اجماع را اولین دلیل بر نجاست مشرکان آورده اند.^۱ البته اکثر فقهاء اهل سنت قائل به طهارت مشرکان هستند و مخالفین طهارت مشرکان در فقهاء اهل سنت به حدی کم است که سید مرتضی در کتاب ناصریات مخالفین را به حساب

۱. شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۶، ص ۴۲ (العاشر ، الکافر : اجماعاً فی التهذیب و الانتصار و الغنیة و السرائر و المنتهی و غیرها ... و یدل علیه مضافاً الی ذلك قوله تعالى : يا أيها الذین آمنوا إیماناً المشرکون نجس ﴿التوبة، ۲۸﴾) - ملاحظه می فرمایید که صاحب جواهر اجماع را به عنوان اولین و مهمترین دلیل در این باب ذکر کرده اند.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۸۶

نیاورده و در مورد نجاست مشرکان (کفار) چنین تعبیر کرده است: «و هو مما انفردت به الامامية»
 به هر جهت اجماع قوی ترین دلیل در مسئله نجاست مشرکین است به طوری که برخی از فقهاء که دلالت آیه و روایات را بر نجاست مشرکین نا تمام دانسته اند، فقط با تمسک به اجماع حکم به نجاست مشرکان داده اند.

نقل کلمات فقهاء بزرگوار در زمینه اجماع :

سید مرتضی در ناصریات دارد: (نیم خورده مشرک نزد ما امامیه نجس است^۱). و در انتصار می فرماید: (قول به نجاست مشرک از مختصات امامیه است^۲).
 ابن زهره در کتاب غنیة النزوع دارد: (روباه و خرگوش و کافر «مشرک» نجس هستند به دلیل اجماع^۳).
 ابن ادریس حلی در سرائر می گوید: (بدون هیچ خلاقی بین اصحاب، هر کافری «مشرک» از کفار هرگاه بدنش با آب چاه برخورد کند آب چاه نجس می شود^۴).
 علامه حلی نیز در کتاب منتهی می نویسد: (کفار «مشرکین» نجس هستند و این نظر همه علماء ماست^۵).
 ایشان در تذکره دارد: (کافر در نزد ما نجس است^۶).
 و در نهایت می فرماید: (کافر نزد همه علماء ما نجس العین

۱. مروارید، علی اصغر، سلسلة الینابیع الفقهیة، ج ۱، ص ۱۴۱، چاپ اول، موسسه فقه الشیعه، الدار الاسلامیه، بیروت، لبنان ۱۴۱۰ ۱۹۹۰ م.

۲. سید مرتضی، انتصار، ص ۱۰۷.

۳. مروارید، علی اصغر، سلسلة الینابیع الفقهیة، ج ۳، ص ۳۷۸.

۴. محمد بن ادریس حلی، السرائر، ج ۲، ص ۲۶۲، چاپ شده در سلسلة الینابیع الفقهیة.

۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، منتهی، ج ۱، ص ۱۶۸، چاپ سنگی تبریز.

۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره ج ۱، ص ۶۷.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۸۷

است^۱.)

شیخ انصاری در کتاب طهارت در بحث نجاسات،
 جمیع اقسام کافر را نجس شمرده و بر آن ادعای اجماع کرده
 است. (جمیع اقسام کافر نجس است به دلیل اجماعی که
 اجمالاً محقق است^۲.)

طباطبایی در ریاض المسائل مطلق کافر را نجس
 خوانده و دلیل آن را اجماع بیان کرده است: (دلیل ما بر
 نجاست کافر پس از اجماعات، آیه کریمه است^۳.)

سید محمد جواد عاملی در مفتاح الکرامه بر نجاست
 مطلق کافر ادعای اجماع کرده و اجماع را از ناصریات و
 انتصار و غنیة و سرائر و معتبر و منتهی و بحار و دلائل و
 شرح الفاضل و تذکرة و نهایة و تهذیب نقل نموده است^۴.

آیه الله حکیم در مستمسک این اجماع را به بزرگان
 شیعه نسبت داده است: (اقسام کافر نجس است و دلیل آن
 اجماع است که از کتب بزرگان نقل شده است^۵.)

شیخ حسن جبلی در کتاب (دلیل العروة الوثقی)

۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲. انصاری، شیخ مرتضی، الطهارة، ص ۳۲۵، چاپخانه الله فلیخان، ۱۲۹۸، کتابخانه تخصصی فقه و اصول.

۳. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۸۵.

۴. عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۳۵. ر. ک. به ناصریات، جوامع الفقهیة کتاب الطهارة المسألة العاشرة ص ۲۱۶، ۲۶ و انتصار: کتاب الطهارة ص ۱۰ و غنیة، جوامع الفقیة کتاب الطهارة ص ۴۸۹ و ۱۵۰ و سرائر کتاب الطهارة ج ۱ ص ۷۳ و معتبر: کتاب الطهارة فی النجاسات ج ۱ ص ۴۴۰ و منتهی کتاب الطهارة فی النجاسات ج ۱ ص ۱۶۸ و ۱۲ و بحار کتاب الطهارة باب اسناد الکفار ج ۸۰ ص ۴۴ و کشف اللثام: کتاب الطهارة فی النجاسات ج ۱ ص ۴۰ و تذکرة کتاب الطهارة اصناف النجاسات ج ۱ ص ۶۷ و نهایة الاحکام کتاب الطهارة اصناف النجاسات ج ۱ ص ۲۷۳ و تهذیب کتاب الطهارة فی المیاه ج ۱ ص ۲۲۳.

۵. حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۷۴، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۸۸

عبارتش این است: (نزد ما اجماع بر نجاست کافر «مشرک» وجود دارد کما این که در تهذیب و کشف اللثام این اجماع آمده است.^۱)

حضرت امام خمینی (قدس سره) در کتاب طهارت می فرمایند: (به هر صورت عمده دلیل بر نجاست مشرکین اجماعاتی است که گذشت و این اجماعات بین طبقات شیعه معروف است.^۲)

از جمله کسانی که قایل به نجاست مشرک شده‌اند عبارت اند از: شیخ مفید^۳، شیخ طوسی^۴، سید مرتضی در انتصار^۵ و رسائلش^۶ حلی در کافی^۷ شیخ در نهایه^۸ و مبسوط^۹

۱. جبلی شیخ حسن، دلیل العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۳۶

۲. امام خمینی، سید روح الله، الطهارة، ج ۳، ص ۲۹۸

۳. مفید، مقنعه، ص ۶۵، ص ۵۵۲ و ص ۷۱ ص ۳ تا ۴

۴. شیخ طوسی، ابوجعفر، تهذیب ج ۱ ص ۲۶۲، ص ۱۵، (اگر کافر با مسلمان دست دهد درحالی که دستش از عرق یا چیز دیگری مرطوب باشد، هرکس آن را لمس کند باید دست خود را با آب بشوید ...)

۵. سید مرتضی، انتصار، ص ۱۰، ص ۱۰ (از جمله اقوالی که مختص به امامیه است قول به نجس بودن نیم خورده همه کافران است)

۶. همو، رسائل الشریف، ج ۴، ص ۳۲۸ تا ص ۳۲۹ س ۱۶ (کافر نیز در حال کفر به نجاست آن حکم می شود.)

۷. حلی، کافی، ص ۱۳۱ تا ۱۴ تا ۱۵ (دومین مورد از مواردی که باعث نجاست است جای است که آب یا غیر آن با حیوان نجس مانند سگ و خوک و روباه و خرگوش و کافر بر خورد پیدا کند.)

۸. ضوسی، ابوجعفر، نهایه، ص ۵۲ تا ۱۹ ص ۵۳ س ۱

۹. همو، مبسوط ج ۱، ص ۱۰، ص ۵ تا ۹ و ص ۳۷، ص ۵ تا ۱۳ (همه موارد نیم خورده آدمی پاک است مگر کسی که کافر اصلی یا مرتد یا کافر ملی باشد و استفاده از آب یا سایر مایعاتی که از آن نوشیده اندیا بدنشان با آن برخورد داشته جایز نیست.)

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۸۹

و مذهب^۱ و ابن حمزه در وسیله^۲ و ابن زهره در غنیه^۳ و ابن ادریس در سرائر^۴ و محقق در شرایع^۵ و مختصر^۶ و یحیی بن سعید حلی در جامع الشرایع^۷، علامه در تذکره^۸ و قواعد^۹ و تحریر^{۱۰} و منتهی^{۱۱} و نهایت^{۱۲} و ارشاد^{۱۳} و تبصرة^{۱۴} و فخر المحققین در ایضاح الفوائد^{۱۵} شهید در دروس و بیان و ذکری^{۱۶} محقق کرکی در جامع المقاصد و رسائل^{۱۷}، شهید ثانی در مسالك و روض الجنان و روضه^{۱۸}، محقق اردبیلی در

۱. همو، مذهب، ج ۱، ص ۵۲، س ۶ تا ۹، (اگر بدن کسی که حکم به کفر او شده مرطوب باشد و به لباس یا جسم برخورد کند، شستن آن واجب است.)
۲. وسیله، ص ۷۷، س ۱۰ تا ۲۰ (... سگ، خوک، روباه، خرگوش، موش، وزغ، بدن ذمی کافر و ناصبی، بنا بر این اگر موضعی به آن برخورد کند و مرطوب باشد، شستن آن با آب واجب است.)
۳. ابن زهره، حمزه، غنیه، ص ۴۸۹ تا ۵۵۱ (... کافر نیز به همان دلیل نجس است.)
۴. ابن ادریس، محمد، سرائر، ج ۱، ص ۱۷۹، س ۱۲ تا ۱۶ و ص ۱۸۷، س ۹ تا ۱۱ (ایشان در بیان نوع دوم از نجاسات می فرمایند: «نوع دوم جایی است که آب یا غیر آب با حیوانی که نجس العین است یعنی سگ و خوک و کافر تماس پیدا کند.»)
۵. محقق حلی، شرایع، ص ۲۲، س ۸ تا ۱۶، (همه انواع نیم خورده ها طاهر و پاک است مگر نیم خورده سگ و خوک و کافر.)
۶. همو، مختصر النافع، ص ۱۵، س ۱۷، (ایشان نجاسات را ده قسم شمرده و از جمله آنها کافر را به حساب آورده است.)
۷. حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، ص ۲۲، س ۸ تا ۱۶
۸. علامه حلی، حسن، تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۸، س ۱۲ تا ۱۳
۹. همو، قواعد، ج ۱، ص ۷
۱۰. همو، تحریر، ج ۱، ص ۲۴، س ۶ تا ۷ و ص ۲۴ و ۲۵
۱۱. همو، منتهی، ج ۱، ص ۲۴ و ص ۸ تا ۱۰ و ص ۱۶۸ و ج ۳، ص ۲۲۲، س ۷ تا آخر ص ۲۲۴
۱۲. همو، نهایت، ج ۱، ص ۲۷۰، س ۲۱ تا ص ۲۷۱، س ۱ و ص ۲۷۳، س ۱۵ تا ص ۲۷۴، س ۱۲.
۱۳. همو، ارشاد، ج ۱، ص ۲۳۹
۱۴. همو، تبصرة، ص ۳۴، س ۶ تا ۷
۱۵. فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۱، ص ۲۶ و ۲۷
۱۶. شهید اول، محمد، دروس، ص ۱۷، س ۲ / ۳ / بیان، ص ۳۹، س ۵ و ۶ / ذکری، ص ۱۳ و ۱۴ و ۳۹
۱۷. محقق کرکی، علی، جامع المقاصد، ج ۱ ص ۱۶۲ و ۳۶۲ / رسائل، ج ۱، ص ۶۷
۱۸. شهید ثانی، زین الدین، مسالك، ج ۱، ص ۲ / روض الجنان، ص ۱۶۳ / الروضة البهية، ج ۱، ص ۲۸۶

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۹۰

مجمع الفائدة^۱، سید محمد عاملی در مدارک الاحکام^۲، شیخ بهایی در جامع عباسی و حبل المتین و مشرق الشمسین^۳ و سبزواری در کفایة و ذخیرة^۴ و محقق خوانساری در مشارق الشموس^۵ و فاضل هندی در کشف اللثام^۶ و محقق بحرانی در حدائق^۷ و شیخ جعفر جناحی در کشف الغطاء^۸، طباطبایی در ریاض^۹، نراقی در مستند^{۱۰}، صاحب جواهر در جواهر^{۱۱}، شیخ انصاری در کتاب طهارة^{۱۲}، محقق همدانی در مصباح الفقیه^{۱۳}، سید در عروة^{۱۴}، حکیم در مستمسک^{۱۵}، خوانساری در جامع المدارک^{۱۶}، امام راحل در کتاب طهارة^{۱۷}، خوبی در تنقیح^{۱۸} و گلپایگانی در کتاب طهارت^{۱۹}

۱. محقق اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة، ج ۱، ص ۳۶۲
۲. عاملی، سید محمد، مدارک، ج ۲، ص ۲۹۴
۳. بهایی، محمد، جامع عباسی، ص ۲۹ / حبل المتین فی احکام الدین ص ۹۸ و ۹۹ / مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، ص ۳۵۸
۴. محقق سبزواری، محمد باقر، کفایة الاحکام، ص ۱۱ و ۱۲ / ذخیرة ص ۱۵۰ و ۱۵۳ و ۱۷۹
۵. محقق خوانساری، آغا حسین، مشارق الشموس فی شرح اندروس، ص ۳۲۴ و ۳۲۵.
۶. فاضل هندی، محمد، کشف اللثام، ج ۱، ص ۴۷ تا ۴۹
۷. محدث بحرانی، یوسف، الحدائق الناظرة، ج ۳، ص ۴۰۳ و ج ۵، ص ۱۶۲
۸. کاشف الغطاء، شیخ جعفر، کشف الغطاء، ص ۱۷۲، ص آخر تا ص ۱۷۳، ص ۲۰ و ص ۱۷۷، ص ۲۲ و ۲۳
۹. طباطبایی، سید علی، ریاض، ج ۱، ص ۸۵، و ج ۲، ص ۳۵۷
۱۰. نراقی، احمد، مستند، ج ۱، ص ۲۲ تا ۲۶
۱۱. صاحب جواهر، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۵، ص ۳۳۱ و ج ۹، ص ۶۱
۱۲. انصاری، شیخ مرتضی، الطهارة، ص ۳۱۹، و ۳۴۸ و ۳۵۹
۱۳. همدانی، آغا رضا، مصباح الفقیه، ص ۳۵۹ و ۵۵۷ و ۵۷۱
۱۴. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷ تا ۶۹
۱۵. حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۶۷ تا ۳۹۹
۱۶. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲
۱۷. امام خمینی، سید روح الله، کتاب طهارت، ج ۳، ص ۲۸۸ تا ۳۴۹
۱۸. خوبی، سید ابوالقاسم، تنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۲، ص ۴۱ تا ۸۹ و ج ۳، ص ۲۳۶ و ۲۳۷
۱۹. گلپایگانی (موسوی)، سید محمد رضا، کتاب الطهارة، ص ۲۰۰ و ۲۰۱

تقریب استدلال به اجماع بر نجاست مشرکان :

همانگونه که مشاهده شد نقل اجماع در خصوص نجاست مشرک در حد استفاضه است تا جایی که بعضی چون صاحب جواهر آن را ضروری مذهب دانسته‌اند، بلکه آن را شعار شیعه قلمداد کرده‌اند.

لذا می‌توان اطمینان حاصل کرد که این حکم را فقهاء بدون مبنا نداده‌اند بلکه این حکم سینه به سینه از زمان و زبان ائمه هدی علیهم السلام نقل گردیده و به ما رسیده است، گرچه دلیل و مدرک آن کاملاً روشن نیست و استنادات فقهاء به ما نرسیده است.

جهت بررسی بیشتر اجماع نظری به اقوال علماء عامه و مخالفین در مسأله می‌اندازیم :

بررسی اقوال عامه :

علیرغم اینکه نجاست مشرکین بین علماء شیعه تقریباً اتفاقی است، لیکن مشهور بین علماء عامه طهارت مشرکین است. و عده کمی از آنها قائل به نجاست مشرکین هستند. فخر رازی از زمخشری نقل می‌کند که ابن عباس آنها را نجس العین دانسته است^۱. و حسن نقل کرده است که هر کس با مشرکین مصافحه کند باید وضو بگیرد و حسن این فتوا را از هادی یکی از امامان زیدیه نقل کرده است^۲. همچنین محیی الدین نووی در المجموع دارد : اصحاب ما

۱. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۱۶، ص ۲۴، ان اعیانهم نجسه كالکلاب و الخنازیر.

۲. همان .

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۹۲

فتوای نجاست کافران را از احمد و اسحاق حکایت کرده اند.^۱

و نیز سید مرتضی در انتصار، از طحاوی نقل می کند که وی فتوای ممنوع بودن وضوء با آب نیم خورده نصرانی و مشرک را به مالک نسبت داده است اما سپس اضافه می کند: که من از پیروان مالک شنیده ام که این فتوا به معنای کراهت است.^۲

شاید صریح ترین فتوا در این زمینه از ابن حزم اندلسی «متوفای ۴۵۶» باشد. وی می نویسد: آب دهان زنان و مردان کافر (مشرک) و عرق آنان و اشک چشمشان و هر چیزی از آنان نجس است.^۳ البته چنین فتوایی از بعضی دیگر هم نقل شده است مثلاً در نیل الاوطار شوکانی از کتاب شرح مسلم قرطبی نقل می کند که وی این فتوا را از شافعی نقل کرده است.^۴

از جمله علماء اهل سنت که قائل به نجاست مشرک شده است، فخر رازی است. وی می گوید: بدان که ظاهر قرآن «انما المشرکون نجس» دلالت بر نجس بودنشان دارد.^۵ البته فقهاء اهل سنت غالباً به طهارت کافر و مشرک معتقدند و با مراجعه به کتابهایی که برخی از بزرگان جهت انعکاس نظر نگاشته اند، این مطلب به خوبی روشن می شود. زیرا این بزرگان در کتابهای خود کافر را به عنوان یکی

۱. نووی، محیی الدین، المجموع فی شرح المذهب، ج ۱، ص ۲۶۴

۲. سید مرتضی، الانتصار، ص ۱۰

۳. ابن حزم، المحلی بالاثار، ج ۱، ص ۱۲۹

۴. شوکانی، نیل الاوطار، ج ۱، ص ۸۶

۵. فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۴، ص ۶۱۴ / دکتر فیض، علیرضا، ویژگی های اجتهاد و فقه پویا،

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۹۳

از نجاسات مطرح نکرده اند^۱ در حالیکه بناء آنها بر انعکاس تمامی اقوال و نظرات بوده است. از این که در این کتابها نامی از طهارت یا نجاست مشرک و کافر نیامده است، استفاده می شود که چنین مسأله ای گویا چندان بین فقهاء اهل سنت مطرح نبوده است.

حکم نجاست و طهارت ملحدین، ماتریالیست ها، زنداقله و منکرین اصل دین یا خدا:

کلیه فقهای که مشرکین را نجس می دانند، این قسم از کفار را هم که اصل دین و خدا را قبول نداشته و یا در مورد آن ها شك دارند و به اصطلاح قائلند که طبیعت ما را خلق کرده و خودش هم ما را از بین خواهد برد، طبیعتاً حیات و زندگی پس از مرگ برای آنها معنایی نخواهد داشت آن گونه که قرآن کریم از آنها نقل کرده می گوید: **وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ^۲** غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست می میریم و زنده می شویم، و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند "نجس می دانند.

این قسم از کفار الان هم وجود دارند و مورد ابتلاء مسلمین می باشند، عموم افرادی که خود را کمونیست می خوانند، چنین عقیده ای دارند، که کشور های بلوک شرق

۱. ر.ک. مغنیه محمد جواد، الفقه علی مذاهب الخمسه، ص ۲۴ / دکتر وهبه الزحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، ص ۱۴۱ / شانس قفال، احمد، حلیة العلماء فی معرفة مذاهب الفقهاء، ج ۱، ص ۱۲۴
۲. الجائیه، ۲۴

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۹۴

(طبق تقسیم بندی سابق) قرار دارند. مانند روسیه فعلی، چین، کوبا و ... جمعیت زیادی با توجه به نفوذ این اندیشه در کشور های پر جمعیت در بردارند.

مرحوم محقق صاحب شرایع پس از آن که کافر را نجس معرفی می کند، چنین می گوید: و ظابطه (کفر) من خرج عن الاسلام^۱.

پیداست این قسم از کفار (مادیون و دهریون) از مصادیق بارز کسانی هستند که از اسلام خارج می باشند. مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی چنین دارد: «و المراد بالكافر من كان منكراً للالوهية او التوحيد او ...»^۲ که منکر توحید همان مشرکین هستند ولی منکر الوهیت که ابتدا نام آنها را ذکر کرده است همان مادیون و ماتریالیست ها هستند.

مرحوم محدث بحرانی در حدائق الناظره می نویسد: «و ظابطه من خرج عن الاسلام^۳» که خروج از اسلام افرادی چون ماتریالیست ها را هم می گیرد.

در هر صورت فقهاء عظام تردیدی نکرده اند که در صورت نجس بودن مشرکین این قسم از کفار که اصلاً دین را هم قبول ندارند نجس می باشند. چرا؟ که مادیون از مشرکین در کفر شدید ترند و درجه نازلتری از آنها داشته و به اصطلاح اسوا جالاً از مشرکین می باشند.

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام ج ۶، ص ۴۶

۲. یزدی، سید محمد کاظم عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۴، دارالاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۰ هـ. ۱۹۹۰ م.

۳. بحرانی، یوسف، حدائق الناظره، ج ۵، ص ۱۶۲، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۳۷۸ هـ ق. (معلقه محمد تقی ایروانی).

دلایل نجاست ملحدین و مادیون :

از مجموع کلمات فقهاء چنین استنباط می شود که دو دلیل بر نجاست مادیون می توان اقامه کرد :

الف) وقتی مشرکین که اصل وجود خدا را قبول دارند و پرستش هم می کنند، لکن وحدانیت و یگانگی خدا را قبول ندارند حال ممکن است در خلقت خدا را یکی بدانند ولی در عبادت یا تدبیر خدا را یکی ندانند، کافرند و نجس می باشند، کسانی که مانند ملحدین و دهریون، اصلاً خدا را قبول ندارند، به طریق اولی کافر بروده و مشمول ادله داله بر نجاست مشرکین و اهل کتاب هستند.

مرحوم آیه الله خوانساری در جامع المدارک می نویسد: «و استدلالاً بالآخبار التي استدلت بها على نجاسة اهل الكتاب، فانها تدل على نجاسة سائر الكفار باولوية القطعية»^۱

مرحوم آیه الله خوئی در این خصوص می نویسد: «كما انه لا ينبغي الجزم بنجاسة غير المشرك من الكفار فيما اذا التزم بما هو سوء و اشد من المشرك في العبادة كانكار وجود الصانع رأساً لان المشركين غير منكرين لوجوده سبحانه، انما يعبدون الاصنام و الالهة ليقربوهم الى الله زلفى، و يعتقدون ان الموت و الحياة و الرزق و المرضى و غيرها من الامور الراجعة الى العباد، بيد هؤلاء الشفاء و من البديهي ان انكار وجوده تعالى اسوء من ذلك و اشد فهو اولى بالحكم بالنجاسة من المشرك بالضرورة»^۲.

۱. خوانساری، جامع المدارک، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. خوئی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، تقریر میرزا علی غروی چاپ سوم،

۱۴۱۰ هـ ق، ج ۲، ص ۴۲.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۹۶

کاملاً واضح است که ایشان منکرین خدا و مادیون و ملحدین را بطور جزم شامل ادله داله بر نجاست مشرکین می داند و آنها را هم نجس می شمارد به طریق اولی. صاحب تفصیل الشریعة هم در این زمینه می نویسد: «والتحقیق فی هذا المقام ان الکفر عنوان فی مقابل الایمان فمن لایکون مسلماً یکون کافراً لا محالة سواء کان منکراً لوجود الصانع تعالی او لم یتوجه الیه اصلاً او وجه و کان شکاکاً فی وجوده تعالی. و الدیل علی نجاسة هؤلاء، الآیة الکریمة (انما المشرکون نجس) لانه لوکان المشرک المعتقد اصل وجوده تعالی نجساً، فمن کان منکراً له او غیر متوجه الی اصل وجوده حتی یعتقده نفیاً او اثباتاً او شکاکاً فیہ بعد التوجه و الالتفات یکون نجساً بطریق اولی^۱».

پس يك دليل ادعای اولویت قطعیه نسبت به آیه شریفه داله بر نجاست اهل کتاب است.

ب) شمول معاهد اجماعات:

از دیگر دلائلی که بر نجاست ملحدین و مادیون اقامه شده است این که ادعا شده اجماعی که بر نجاست مشرکین است مخصوص مشرکین نبوده، بلکه شامل مادیون و دهریون هم می گردد. بنابر این آنها هم نجس هستند. مرحوم آیه الله حکیم (ره) در این خصوص چنین می آورد: «فان الجمیع (جمیع اقسام کفار از جمله منکران الوهية) داخل فی معاهد الاجماع و لکون الثانی (منکران توحید)

۱. لنگرانی، محمد فاضل، تفصیل الشریعة، احکام نجاست، ص ۲۳۴، چاپ اول، چاپخانه علمیه،

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۹۷

.... و الاول (منکران اصل وجود خدا) اسوء منه^۱.»
دو دلیلی که بر نجاست منکران خدا اقامه شده است در این عبارت مرحوم آیه الله حکیم است. یکی اولویة که همان اسوء حالاً بودن ملحد از مشرک باشد و دیگری این که معقد اجماعات مدعی بر نجاست مشرک، ملحد را هم می گیرد. مرحوم شهید صدر هم در خصوص اجماع ادعا شده بر نجاست کفار می نویسد: «و اما بالنسبة الى المشرك و من هو اسوء منه فان لم یکن التعویل علی الاجماع فيه (اثبات نجاست آنها) جزماً لظالة منافذ التشکیک، فلاقل من التعویل علیه نحو الاحتیاط الوجوبی^۲.»
تا اینجا مطلب و کلام و استدلال فقهاء درباره مقطوع النجاسه بودن ملحدین روشن شد .

۱. حکیم، سید محسن طباطبای، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۷۵، قم مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲. شهید محمد باقر صدر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۲۰۹.

حکم طهارت و نجاست نواصب :

گروهی دیگر از کسانی که ادعای اسلام دارند کسانی هستند که نصب و دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) دارند. فقهاء اسلامی عموماً حکم به نجاست این طایفه ملعونه کرده اند. در این موضع يك بحث در این است که مراد از نصب چیست؟

آیا مطلق اظهار عداوت و دشمنی با اهل بیت بدون این که فرقی از جهت منشأ این اظهار دشمنی و داعی بر اعمالش باشد موجب نصب است یا خیر؟ نصب امر دیگری است.

در این که مطلق کسانی که اظهار دشمنی با اهل بیت دارند مشمول احکام نصب گردند، جای تأمل است. چرا ؟ که بنا بر این باید تمام کسانی که با امیرالمومنین علیه السلام جنگیده اند را محکوم به احکام ناصبیون خبیث بدانیم. در حالی که نمی توان به این مطلب ملتزم شد. و نقل نشده که امیرالمومنین و اصحاب گرامیشان از عایشه و طلحه و زبیر

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۹۹

و سایر مبغضین آن حضرت در جمل و صفین و بسیاری از اهالی حرمین شریفین پرهیز کرده باشند.

بنا بر این به نظر می رسد که ناصبی کسی است که نصب و عداوت با ائمه و خصوصاً حضرت علی (ع) را جزء دینش و فریضه ای از فرایضش به حساب آورده است و بدین وسیله تقرب به خداوند تبارک و تعالی پیدا کند.^۱

به دو طریق بر نجاست ناصبی استدلال شده است :
 يك: به این که حسب روایات مأثوره از ائمه علیهم السلام این ها کافر بوده و هر کافری نجس است. که هم در صغری و هم در کبری می توان مناقشه کرده و اما در صغری به این که معلوم نیست همه طوایف این مخذولین کافر باشند.

گروههایی از آنها که رسالت و توحید را انکار ندارند و نصب هم جزء دین و وظایف دینشان نیست، صدق عنوان کافر بر آنها مشکل است. لیکن آنهایی که دشمنی را جزء دین و وظیفه خود می دانند حکم دیگری دارند.

و اما مناقشه در کبری: به این که از مطالب گذشته به خوبی مشخص گردید که ملازمه ای بین کفر و نجاست نیست. و حکم نجاست دائر مدار کفر نمی باشد. مرحوم صدر در این خصوص در کتاب بحوث می فرماید: «و قد تقدم الاشكال في الكبرى بعدم شمول دليل نجاسة الكافر

۱. رجوع شود به مستمسک العروة، ج ۱، ص ۳۹۰ تا ۳۹۴، سید محسن طباطبایی حکیم، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، / تفصیل الشریعة، احکام نجاست، ص ۲۵۳ و ۲۵۴، محمد فاضل لنکرانی، چاپ اول، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۹ ه ق

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۰

المنتحلی الاسلام^۱».

پس به ملاک کفر نمی توان نجاست ناصبیان را اثبات کرد ولو کفر آنها هم اثبات کنیم. بلکه حسب قاعده فقهی طهارت و اصل عملی برائت محکوم به طهارت اند.

دو : اثبات نجاست ناصبی به صورت مستقل و نفسی و توسط روایات وارده در باب صرف نظر از روایات وارده در نجاست اهل کتاب و دلیل نجاست مشرکین و نجاست کفار

ناصبیان ولو که کافر هم نباشند (که هستند) به لحاظ وجود روایات خاصه در باب نجس اند و باید از آن مخذولین درگاهی الهی پرهیز داشت. واحدی از فقهاء در این جهت تردید ندارند.

در اینجا نمونه هایی از این روایات را آورده و بحث را جمع می کنیم :

۱- حدیثی است که مرحوم صدوق در معانی الاخبار دارد به این شرح: «عن معلى بن خنيس قال: سمعت ابا عبد الله يقول: ليس الناصب من نصب لنا اهل بيت لانك لاتجد احدا يقول انا ابغض المحمّد (ص) و لكن الناصب من نصب لكم و هو يعلم انكم تحبوننا و تبرأون من اعدائنا^۲».

۲- مرحوم کلینی در کافی نقل کرده است که: «عن عبد الله بن يعفور عن الصادق عليه السلام قال: لاتغتسل من البئر التي تجتمع فيه غسالة الحمام فان فيها غسالة ولد الزنا و هو لا يطهر الى سبعة آباء و فيها غسالة الناصب و هو

۱. شهید محمد باقر صدر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۰۹، قم، مجمع شهید صدر، ۱۴۰۸ هـ ق

۲. مرحوم صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۰۴

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۱

- ۱- شَرهما، ان الله لم يخلق خلقاً شراً من الكلب و ان الناصب اهون على الله تعالى من الكلب^۱»
- روایت خالد قلانسی قال: قلت لابی عبدالله^(ع): القى الذمی فیصافحنی ؟ قال^(ع): امسحها بالتراب او بالحائط، قلت: فالناصب ؟ قال^(ع): اغسلها^۲.
- قلانسی نقل می کند: به امام صادق (ع) گفتم من در ملاقات با فرد ذمی که با من مصافحه می کند چه کنم؟ امام فرمود: دستها را به دیوار و خاک بکش گفتم اگر شخص ناصبی و دشمن اهل بیت (ع) با من مصافحه کرد امام فرمودند: دستها را بشو.
- ۲- عن الوشاء عمن ذكره عن الصادق^(ع): «انه كره سور ولد الزنا و اليهود و النصرانی و المشرک و كل من خالف الاسلام و كان اشد ذلك عنده سور الناصب^۳».
- امام صادق است که آنحضرت نا پسند می داشت نیم خورده ولد الزنا و یهودی و مسیحی و مشرک و هر کسی که با اسلام مخالف بود و ناپسند تر از این ها در نزد ایشان نیم خورده ناصب اهل بیت بود.
- ۳- علی بن حکم عن رجل عن الصادق^(ع): لا تغتسل من ماء غسالة الحمام، فانه يغتسل فيه من الزنا و يغتسل فيه ولد الزنا و الناصب لنا اهل بیت و هو شرهم^۴.
- علی بن حکم از شخصی که از امام صادق (ع) نقل می کند:

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، باب ۱۱ ابواب ماء مضاف، بیروت دار احیاء التراث عربی.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، باب ۱۴ ابواب نجاسات، بیروت دار احیاء التراث عربی.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، باب ۱۳ ابواب استار، بیروت دار احیاء التراث عربی.

۴. بحرینی، یوسف، حدائق الناضرة رجوع شود به حدائق، ج ۵، ص ۱۸۶ تا ۱۸۸.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۲

غسل نکن در غسله آب حمام چرا که زانی در آن غسل می کند ولد الزنا و ناصبی هم بدترین آنها است در آن غسل می کند.

عبدالله بن ابی یعفرور عن الصادق^(ع): «... والناصب لنا اهل بیت و هو شرهم، ان الله لم یخلق خلقا انجس من الكلب و ان الناصب لنا اهل بیت لا نجس منه^۱»

عبدالله بن ابی یعفروراز امام صاق^(ع) نقل می کند: ... و ناصبی ما اهل بیت از همه آنها بدتر است، به راستی که خداوند خلقی را نجس تر از سگ نیافریده است در حالی که ناصب ما اهل بیت از سگ هم نجس تر است.

روایات در این زمینه بسیار است. از مجموع روایات به انضمام اجماع بر نجاست ناصبی، لزوم پرهیز از ناصبی کاملاً استفاده می شود و حتی حکم آن از مشرکین هم سخت تر است و از روایات چنین معنایی استفاده می شود. خذ لهم الله.

در خصوص خوارج هم اگر اظهار عداوت و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام داشته و تکفیر امیرالمومنین علیه السلام دارند، آنها هم حکم نواصب را دارند.

تا اینجا نجاست ناصبی بیان گردید، حال اگر احتمال دارد که لزوم و پرهیز از ناصبی به علت نجاست ذاتی بدون آنها باشد و احتمال هم دارد که پرهیز از آنها نهی نفسی داشته باشد و به علت اظهار تنفر و انزجار و روی گردانی از آنها بوده باشد، که همان نجاست سیاسی است و هو الاظهر. در هر صورت از مجموع روایات لزوم پرهیز از ناصبیون استفاده می شود^۲.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ب اب ۱۱ ابواب ماء مضاف، بیروت دار احیاء التراث عربی.

۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۶، ص ۶۴ تا ۶۷، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی / بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۷۵ / تفصیل

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۳

گفتار دوم: کفاری که نجاست آنها اختلافی است و ادله آن:

یکی از موضوعات فقهی که در میان فقهای شیعه مورد نظر اختلاف است حکم اهل کتاب از نظر طهارت و نجاست است:

اکثر قاطع فقهاء شیعه فتوا به نجاست اهل کتاب صادر کرده اند و جمعی از فقهاء شیعه معتقد به طهارت اهل کتاب شده اند.

فتاوا و نظریات فقیهان شیعه:

فقیهان شیعه را نسبت به فتوای طهارت و نجاست اهل کتاب می توان به دو دسته تقسیم کرد:

فقیهانی که به نجاست اهل کتاب قائل شده اند، یا اگر فتوای صریحی در این مورد ندارند به گونه ای فتوایی نزدیک به این حکم صادر کرده اند.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۴

شیخ صدوق در کتاب فقه الرضا (ع) می فرماید : «و ان اجتمع المسلم مع ذمی فی الحمام، اغتسل المسلم من الحوض قبل الذمی^۱»

سید مرتضی در کتاب الانتصار می فرماید: و مما انفردت به الامامية القول بنجاسة سؤر اليهودی و النصرانی و کل کافر ... و يدل علی صحة ذلك مضافاً الی اجماع الشيعة علیه قوله تعالی «انما المشركون نجس»^۲

سید مرتضی در انتصار می فرماید: از مسائلی که امامیه منفرد هستند قول به نجاست نیم خورده یهودی و نصرانی و هر فرد کافر و دلیل بر صحت این قول (نجاست یهود و نصرانی) علاوه بر اجماع قول خداوند است که می فرماید: فقط مشرکین نجس هستند.

۱. مروری، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقهیة، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. همان.

دلایل قائلین به نجاست اهل کتاب:

دلیل اول: آیات:

۱- آیه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا
يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً
فَسَوْفَ يَغْنِيْكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۱

ای کسانی که ایمان آورده اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاکند، پس نباید از سال آینده به مسجد الحرام نزدیک شوند، و اگر [در این قطع رابطه] از فقر بیم ناکید، پس به زودی خدا اگر بخواهد شما را به فضل خویش بی نیاز می گرداند، که خدا دانای حکیم است.

بیان استدلال به نجاست اهل کتاب :

قائلین به نجاست اهل کتاب این گونه به این آیه استدلال می کنند که: با توجه به این که اهل کتاب اعم از

۱. سوره توبه، آیه ۲۸.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۶

یهودیان و نصاری و مجوس به شهادت آیات متعدد قرآن مشرک هستند، زیرا یهود «عزیر» و مسیحیان «حضرت عیسی» را پسر خدا می دانند و غیر را نیز می پرستند و به تثلیث معتقدند و مجوس نیز قائل به ثنویت اند و جملگی دچار شرک عبادی، پرستش مریم یا آتش شده اند، و از طرفی این آیه حکم به نجاست مشرکان را به صریح ترین عبارت اعلام کرده است، عموم اهل کتاب محکوم به نجاست اند. و اگر کسی با دست مرطوب با بدن آنها تماس بگیرد دستش نجس شده و باید شستشو و تطهیر کند.

۲- آیه: فَمَنْ يَرِدِ اللّٰهَ اَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْاِسْلَامِ
وَ مَنْ يَرِدْ اَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأْتَمَّا يَصْعَدُ فِي
السَّمَاءِ كَذٰلِكَ يَجْعَلُ اللّٰهُ الرُّجْسَ عَلٰى الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ^۱

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرش اسلام، گشاده می سازد و آن کس را که بخاطر اعمال خلافتش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آنچنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آورند قرار می دهد .

۱.سوره انعام، آیه ۱۲۵.

بیان استدلال بر نجاست اهل کتاب :

آنان که قائل به دلالت آیه شریفه بر نجاست اهل کتاب اند، شواهدی را برای این دلالت اقامه کرده اند:

۱- معنی حقیقی لفظ «رجس» نجاست فقهی است.

محقق حلی در کتاب «المعتبر» می نویسد: معنای حقیقی لفظ رجس همین مفهوم نجاست مصطلح فقهی است. بر همین اساس آیه شریفه این حکم شرعی را برای غیر مومنین ثابت می کند.^۱

۲- اقتضای اطلاق :

محقق حلی می نویسد: مفهوم حقیقی و موضوع له لغوی لفظ رجس مفهوم مایکره (آنچه ناپسند باشد) است. این لفظ به صورت متواطی (یکنواخت) بر هر یک از مصادیقش اطلاق می کند و در صورتی که به طور مطلق

۱. محقق حلی، المعتمد، ج ۱، ص ۹۶.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۸

استعمال شود باید به اقتضای اطلاق همه معنایش را در نظر گرفت. بر همین اساس غیر مومنین رجس و ناپسند اند به همه نوع ناپسندی که یکی از آنها ناپسندی شرعی و نجاست فقهی است.

دلیل دوم بر نجاست اهل کتاب «روایات»:

روایات دلالت کننده بر نجاست اهل کتاب :

جمعی از فقیهان قائل به نجاست اهل کتاب مثل صاحب جواهر^۱ و صاحب حدایق^۲ و آیت الله حکیم در مستمسک برای اثبات حکم مذکور استدلال به روایات وارد شده اند.

۱. حسنه سعید الأعرج قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن سؤر اليهودی و النصرانی فقال: لا...^۳

سعید اعرج می گوید: از امام صادق حکم استفاده از نیم خورده یهود و نصرانی را پرسیدم، حضرت فرمودند: خیر (استفاده نکن) منشأ شک و سوال راوی در طهارت و

۱. جواهر، ج ۶، ص ۴۲.

۲. بحرینی، یوسف، حدائق الناضرة، ج ۵، ص ۱۶۲.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، باب ۳، ابواب الاسرار، ص ۱۶۵.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۰۹

نجاست ذاتی بدن یهود و نصاری بوده است و لذا نهی امام (ع) از استفاده آن مستلزم حکم نجاست ذاتی بدن آنان می باشد.

۲. صحیحہ محمد بن مسلم قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن آنية اهل الذمة و المجوس، قال (ع): لا تأكلوا من آنتهم و لا من طعامهم الذی يطبخون و لا فی آنتهم اللتی یشربون فیها الخمر^۱

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق (ع) حکم استفاده از ظرفهای اهل ذمه و مجوسیان را پرسیدم، حضرت (ع) فرمودند: از ظرفهای آنها نخورید، و نیز از غذایی که آنان می پزند و همچنین از ظرفهایی که آنان در آنها خمر می نوشند، استفاده نکنید.

نحوه دلالت :

حضرت در قسمت اول حدیث از استفاده هر گونه ظرف از اهل کتاب به طور مطلق نهی فرموده است، هر چند به نجاسات دیگر مثل خمر آلوده نشده باشد و این نشانه نجس بودن خود اهل کتاب است. چنانکه حضرت در بخش دوم فقط خوردن غذاهایی را نهی فرموده که دست پخت خود اهل کتاب باشد، چراکه در آن صورت غذا به دسهای آنان آلوده و نجس می گردد.

۳. حسنه عبدالله بن یحیی کاهلی قال: سألت ابا

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، باب ۱۴، ابواب النجاسات، ج ۱، ص ۱۰۱۸.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۰

عبدالله (ع) عن قوم مسلمین یا کلون و حضرهم مجوسی، ایدعونه الی طعامهم؟ فقال: اما انا فلا او اکل المجوسی و اگره ان احرم علیکم شیئاً تصنعون فی بلادکم^۱.

کاهلی نقل می کند که: از امام صادق (ع) پرسیدم اگر گروهی از مسلمانان مشغول غذا خوردن باشند و فردی مجوسی بر سفره آنان حاضر شود، آیا او را به سفره خویش دعوت کنند؟ حضرت فرمودند: خودم با مجوسی هم غذا نمی شوم، اما دوست ندارم که آنچه را شما در شهرهایتان انجام می دهید بر شما حرام کنم.

نحوه دلالت :

منشأ سوال شک در طهارت و نجاست ذاتی بدن مجوسی بوده است و نیز گرچه حضرت به صراحت نهی نفرمودند اما همینکه فرموده اند من با مجوس هم غذا نمی شوم دلالت بر حرمت هم غذایی و نجس بودن غذا و دست و بدن مجوسی می کند زیرا منشأ دیگری نمی تواند داشته باشد.

ولی چون حضر مصلحت امثال آن فرد را در شهرهای خودشان در تقیه دیده اند- چراکه اهل سنت قائل به طهارت اهل کتاب اند- روش تقیه ای را برای آنها جایز دانسته و دوست نداشته اند با تحریم آن موجب مشکلات برای آنها

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۳، باب ۵۳، ابواب الاطعمه و الاشریة، ج ۲

فصل دوم: حکمکنام از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۱

گردند.

۴. روایت علی ابن جعفر عن اخیه موسی (ع) ساله عن اليهودی و النصرانی یدخل یده فی الماء، ایتوضأ منه للصلوة؟ قال: لا، الا ان یضطر الیه^۱.

علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم (ع) سوال کرد: اگر یهودی و نصرانی دستش را در آبی فرو برد، آیا می توان از آن آب برای نماز وضو گرفت؟ حضرت فرمودند: خیر مگر چاره ای جز آن نباشد.

نحوه دلالت :

نهی آن حضرت از وضو گرفتن با آبی که دست کتابی به آن خورده است شاهی بر نجاست اهل کتاب است، مگر در صورت تقید که حضرت آن را تعبیر به اضطرار نموده است، در آن صورت وضو گرفتن با آن آب مانعی ندارد .

۵. صحیحہ علی بن جعفر عن اخیه قال: سألتہ عن مؤاکلة المجوسی فی قصعة واحدة. ارقد ممعه علی فراش واحد و اصفحہ؟ قال: لا^۲.

علی بن جعفر امی گوید از برادرم امام موسی کاظم (ع) پرسیدم: آیا با مجوسی هم غذا بشوم در یک کاسه و در یک رخت خواب بخوابم و با او مصافحه کنم؟ حضرت

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۲۰، باب ۱۴، ابواب نجاسات.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۱۹، باب ۱۴، ابواب النجاسات.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۲

فرمود: نه

نحوه دلالت :

گرچه سوال و جواب مربوط به حکم تکلیفی است، اما پاسخ منفی امام (ع) نشانه نجس بودن مجوسی و کاسه و رخت خواب اوست.

۶. روایت زرارة عن ابی عبدالله (ع) فی آئیه المَجوس، قال: اذا اضطررتم اليها فاغسلوها بالماء^۱

زراره از امام صادق (ع) درباره ظرفهای مجوس نقل کرده است که فرمود هرگاه چاره ای جز استفاده از آن نداشته باشید آنها را با آب بشویید.

۷. روایت خالد قلدنسی: قلت لابی عبدالله (ع) القی الذمی فیصاحفنی؟ قال امسحها بالتراب و الحائط، قلت: فا ناصب؟ قال اغسلها^۲.

خالد نقل می کند که به امام صادق (ع) گفتم من در ملاقات با فردی ذمی که با من مصافحه می کند چه کنم؟ امام فرمود: دستت را به خاک و دیوار بکش، گفتم اگر ناصبی و دشمن اهل بیت (ع) با من مصافحه کرد چه کنم؟ امام فرمود دستت را بشوی.

۸. روایت هارون بن خارجه عن الصادق (ع): انی

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۲، ص ۱۰۲۰، باب ۱۴، ابواب النجاسات.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۲، ص ۱۰۱۹، باب ۱۴، ابواب النجاسات.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۳

اخالط المجوس، فاكل من طعامهم؟ قال: لا^۱.

هارون فرزند خارجه می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: من با مجوسیان رفت و آمد دارم، آیا از غذای آنان بخورم؟ امام فرمودند: خیر.

۹. صحیحة اسماعیل بن جابر قال: قال لی ابو عبدالله (ع): لا تأکل ذباحتهم و لا تأکل فی آئیتهم، یعنی اهل کتاب^۲. اسماعیل بن جابر می گوید: امام صادق به من فرمود: از ذبیحه های اهل کتاب مخور و در ظرفهای آنان نیز مخور.

۱۰. روایت عیص، قال: سألت ابا عبدالله (ع) عن مؤاکلة اليهود و النصرانی و المجوسی، افاکل من طعامهم؟ قال لا. عیص می گوید من از امام سوال کردم درباره غذای یهود و نصاری و مجوس که آیا از غذای آنها بخورم؟ امام فرمودند: خیر. این روایات مذکور دلالت می کنند بر نجاست اهل کتاب.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۱۶، ص ۳۸۲، باب ۲۲، اطعمة و اشربة.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۱۶، ص ۲۸۴، باب ۲۷، ابواب ذبائح.

دلیل سوم بر نجاست اهل کتاب:

اجماع:

مهمترین دلیلی که قائلین به نجاست اهل کتاب پس از قرآن به آن استدلال کرده «اجماع فقیهان شیعه بر نجاست اهل کتاب» است. حتی عده ای از فقیهان که دلالت آیات قرآن را نیز در این مورد نا تمام دیده اند برای تضعیف احادیث معتبر در بیان طهارت اهل کتاب فقط به اجماع تمسک کرده و آن را قوی ترین دلیل بر نجاست اهل کتاب دانسته اند.

جمعی از فقیهان بزرگ شیعه ادعای اجماع محصل بر نجاست اهل کتاب یا عموم کفار نموده اند و یا حداقل از پیشینیان خود ادعای اجماع را با لحن پذیرفته از سوی خود نقل کرده و برای اثبات حکم نجاست اهل کتاب به آن

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۵

استدلال نموده اند. فقیهانی که ادعای اجماع نموده اند:

۱- سید مرتضی در ناصریات: المسئلة العاشرة
«سورالمشرك نجس» عندنا ان سورالانصار: كل كافر ياتي
ضرب من الكفر كافراً نجس لا يجوز الوضوء به^۱.

سید مرتضی در ناصریات می فرماید: مسئله دهم نیم
خورده مشرک نجس است در نزد ما (امامیه) مسلم
است نیم خورده نصرانی ها نجس است. هرکافی که
نوعی از کفر را مرتکب شده است و وضوء به آن
جائز نیست.

۲- سید مرتضی در انتصار: مسألة: و مما
انفردت بالامامية القول بنجاسة سور اليهودی و النصرانی و
كل كافر... و يدل على صحة ذلك مضافاً الى اجماع رشيد
قوله تعالى «انما المشركون نجس» ... فاذا حقيقة هذه
اللقسط تقتضى نجاسة العين في الشريعة...^۲

سید مرتضی در انتصار می فرماید: از مسائلی که
امامیه منفرد هستند قول به نجاست نیم خورده
یهودی و نصرانی و هر فرد کافر و دلیل بر صحت این
قول (نجاست یهود و نصرانی) علاوه بر اجماع قول
خداوند است که می فرماید: فقط مشرکین نجس

۱. مرورید، علی اصغر، سلسلة الینابیع الفقهیة، ج ۱، ص ۱۴۱

۲. مرورید، علی اصغر، سلسلة الینابیع الفقهیة، ج ۱، ص ۱۰۷.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۶

هستند پس بنابر این حقیقت این لفظ نجاست عین آنها را اقتضا می کند.

۳- ابن ادریس در سرائر : ... و قد علمنا کلنا بغير خلاف بين المحققين المحصلين من اصحابنا ان اليهودی و کل کافر من اجناس الکفار اذا باشر ماء البعیر ببعض من ابغاضه نجس الماء....^۱

ابن ادریس در سرائر می فرماید: ... همه ما بدون اختلاف بین محققین محصلین از اصحابمان می دانیم که یهودی و هرکافری که از جنس کفار باشد اگر قسمتی او با آب چاه تماس حاصل کرد آب نجس می شود.

۴- علامه حلی در منتهی : الکفار انجاس، و هو مذهب علمائنا اجمع سواء كانوا اهل الکتاب او حربین او... لنا قوله تعالی^۲.

علامه حلی در منتهی می فرماید: کافر نجس است و این مذهب تمامی علماء ما است حال خواه کافر اهل کتاب باشد یا حربی باشد.

۵- صاحب ریاض در ریاض المسائل: الکافر.... و الحجة فی الحکم بعد الاجماع... الآية الکریمة ... و النصوص المعتبرة بنجاسة اهل الکتاب.^۳

۱. ابن ادریس، السرائر، ج ۲، ص ۴۶۲، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ هـ.

۲. علامه حلی، المنتهی ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. طباطبایی، سیدعلی ریاض المسائل، ج ۱، ص ۸۵، موسسه آل لیبیت، چاپ اول، ۱۴۴۸ هـ ق

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۷

صاحب ریاض در ریاض المسائل می فرماید: یکی از نجاسات کافر است و دلیل بر آن بعد از اجماعات آیه شریفه قرآن است و نصوص معتبر بر نجاست اهل کتاب هستند.

۶- سید محمد جواد حسینی عاملی در کتاب
مفتاح الکلام^۱

۷- آیت الله حکیم در کتاب مستمسک:
العاشر الکافر باقسامه، اجماعاً محکماً من الکتب الاعیان ...
فالعامل بنصوص الطهارة غی ممکن لمخالفتها للاجماعات
المستفیضة النقل كما عرفت، بل للاجماع المحقق كما قيل.^۲

آیت الله حکیم در کتاب مستمسک می فرماید: دهم کافر به تمام اقسامش نجس است به خاطر اجماعی که از کتب بزرگان نقل شده است پس عمل کردن به روایات داله بر طهارت اهل کتاب ممکن نیست چون با اجماعات مستفیضة منقوله است چنانچه دیدی و مخالفت با اجماع محقق هم است همان گونه که گفته شده است.

۸- امام خمینی (ره) در کتاب الطهارة: و کیف
کان فالعمدة هو الاجماع المتقدمة و المعرفیة بین طبقات
الشیعة^۳

۱. عاملی، سید محمد جواد حسینی مفتاح الکلام، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲. حکیم، المستمسک، ج ۱، ص ۳۴۷.

۳. خمینی، سید روح الله، الطهارة، ج ۳، ص ۲۹۸.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۸

امام خمینی (ره) در کتاب الطهارة در هر صورت عمده دلیل در مسئله (نجاست کفار) اجماعات است که گزشت و معروف بین تمامی طبقات شیعه .

۹- شیخ حسن جبلی در دلیل عروة الوثقی: و لكن قام الاجماع عندنا على النجاسة كما عن التهذيب و كشف الشام^۱. شیخ حسن جبلی در دلیل عروة الوثقی می فرماید: و لكن اجماع نزد امامیه قائم شده است بر نجاست کافر همان گونه که در تهذیب و كشف الثام است.

چنانچه ملاحظه می شود نقل اجماع از سوی ۹ نفر از فقهای معروف شیعه از اجماع منقول برتر و از نظر نقل مستفیض است و اگر نگاهی به فتاوا فقهای شیعه در گذشته بیفکنیم فتوای نجاست اهل کتاب در سراسر کتب فقهی شیعه به چشم می خورد. تا جایی که به فرموده وحید بهبهانی این فتوا شعار شیعه شده است. حال که که از انضمام آن اجماعات منقول به این فتاوی بی شمار می توان اطمینان حاصل کرد که فقهای شیعه این حکم را نسل به نسل از پیشینان خود و آنان نیز از اصحاب ائمه (ع) دریافت کرده اند و ایشان نیز از ائمه معصومین (ع) آموخته اند. گرچه آن اسناد و گفتار ویژه امامان به دست ما نرسیده است.

امام خمینی (ره) می فرماید: این اطمینان وقتی قوت می گیرد که مشاهده کنیم فقیهان شیعه روایات فراوانی را که دلالت بالاتر از روایات دلالت کننده بر نجاست است

۱. شیخ حسن جبلی، دلیل عروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۳۶.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۱۹

در کتب حدیث نظر کرده اما از آنها اعراض نموده و به فتوای قبلی خویش پایبند بوده اند این اعراض و پایبندی نشانه وجود یک دلیل قوی تری بر نجاست نزد آنها بوده است!

فقهای قائلین به طهارت اهل کتاب:

فقیهانی که به طهارت اهل کتاب قائل شده اند عبارتند از :

۱- ابن ابی عقیل عمانی که از اولین فقیهان شیعه در قرن سوم و چهارم بوده است. تنها فتوایی که نزد وی پیرامون طهارت و نجاست اهل کتاب باقی مانده است مربوط به سؤر کتابی است. وی فتوای به طهارت نیم خورده یهودی و نصرانی داده است.^۱

۲- سید محمد موسوی عاملی [متوفی ۱۰۰۹] مولف «مدارک الاحکام» گرچه به حکم طهارت تصریح نمی کند اما پس از رد دلایل نجاست و دلیل طهارت را تقویت می کند. وی در آغاز دلایل قائلین به نجاست کفار را که در آیه قرآن و احادیث است نقل کرده، دلالت آیه شریفه را نفی می کند و بعد از ذکر دلایل طهارت بدن کافر- که آیه قرآن و احادیث و اجماع است - اشکالی بر آنها نمی کند. وی پس از آن راه علاج معارضه بین این دو گروه از احادیث را چنین انتخاب می نماید که مقصود از نهی در روایات همان کراهت است: «یمكن الجمع بين الاخبار باحد الامرین: الف: اما حمل هذه على التقية ب: او حمل النهی فی الاخبار

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲، ص ۲۹۶.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۱

المتقدمة على الكراهة و شهيد ثانی مطابقته لمقتضى الاصل
و اطلاق النهی عن الصلاة فى الثوب قبل الغسل^۱.

۳- شیخ حسن زین الدین، صاحب معالم^۲.

۴- ملا محسن فیض کاشانی در ذیل حدیث
۴۱۳۴ از کتاب «الوافی» می گویند: احادیث مزبور دلالت بر
نجاست اهل کتاب ندارند زیرا اولاً شاید نهی به سبب خبثات
باطنی کافران است. ثانیاً احادیث فراوانی وجود دارد که
علت لزوم پرهیز از اهل کتاب را آلودگی آنها به نجاست
شمرده است، نه به علت نجاست ذاتی بدن آنها.

وی می نویسد: لا دلالة فى الخبر على النجاسة
بالمعنى المعهود، فلعل النهی لخبثهم الباطنى. و الاخبار
مستفیضة بان الاجتناب عنهم انما لتلوّثهم بالخمير و لحم
الخنزير و البول و نحوها كما یأتى فى الباب الآتى و فى
ابواب ما یحل من المطاعم و ما لا یحل من الكتاب المطاعم و
المشارب انشاء الله. و فى بعضها انه لا بأس بمؤاکلته اذا كان
من طعامک و غسل یده.

و قد مضى فى باب طهارة الماء خبر فى جواز الشرب
من كوز شرب منه اليهودى و التطهير من مسهم مما لا ینبغى
ترکه^۳.

۱. عاملی، سید محمد موسوی مدارک الاحکام، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲. کیهان اندیشه، شماره ۲۳، مقاله آقای جناتی.

۳. کاشانی، ملامحسن فیض، الوافی ج ۶، ص ۲۱۱.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۲

ملا محسن فیض کاشانی می گویند: احادیث مزبور دلالت بر نجاست اهل کتاب ندارند، زیرا اولاً شاید نهی به سبب خباثت باطنی کافران است. ثانیاً احادیث فراوانی وجود دارد که علت لزوم پرهیز از اهل کتاب را آلودگی آنها به نجاست شراب و گوشت خوک و بول و مانند آنها همچنانکه در باب آینده خواهد آمد در بابهای غذاهای حلال و غیر حلال شمرده است، نه به علت نجاست ذاتی بدن آنها. و برخی از روایات آمده است که هم غذا شدن اهل کتاب اشکالی ندارد در صدد از طعام خودش باشد و او دستش را بشورد.

۵- محمد باقر محقق سبزواری در کفایة الاحکام تصریح می کند که: ادله نجاست اهل کتاب ناقص است. زیرا در مقابل آنها احادیث معتبری وجود دارد که طهارت آنها را اثبات می کند. این در حالی است که وی به موجب فتوای مشهور در مورد نجاست اهل کتاب می فرماید: جرأت بر مخالفت مشهور بویژه که ادعای اجماع هم بر آن شده است سزاوار نیست. وی می نویسد: «و فی نجاسة اهل الكتاب خلاف، و المشهور بین الاصحاب نجاستهم... و ادلة النجاسة محل بحث، و الاخبار المعتبرة دالة على الطهارة لكن لا ينبغي الجرأة على مخالفته المشهور المدعى عليه الاجماع».

۶- سید محسن حکیم پرچمدار بزرگ این فتوا در عصر خودش، بزرگترین فقیهی بود که با صراحت فتوای طهارت بدن اهل کتاب را اعلام کرد، و پس از صدور این فتوا

۱. سبزواری، محقق، محمد باقر، کفایة الاحکام، ص ۱۱.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۳

بود که شماری دیگر از فقهای متأخرین جرأت باز نگری فقهی در دلایل دو نظریه و اتخاذ نظر بر خلاف مشهور و ای بسا جرأت برابر از عقیده درونی خویش را پیدا کرده اند. بدین وسیله مرحوم آیت الله حکیم راه گشای فتوای طهارت اهل کتاب برای متأخرین گشت.

آیت الله حکیم (ره) در پاسخ به استفتایی در همین باره فتوای معروف خویش صادر کرده اند. متن استفتاء و فتوا چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. سماحة الامام
المجاهد السيد محسن الطباطبائي دام ظله : لقد اخيراً فتوى
سماحتكم بطهارة الكتابيين و طهارة طعامهم و جواز الاكل
منه الا الشئ الذي يذبحونه بايدهم فهو حرام، لذا يرجى
التكرم و اجابتنا على السؤال الاتي ادامكم الله ذخييراً و
ابقاكم ظلاً. عن جماعة من المسلمين- كاظم جبار عدوه

پاسخ استفتاء

بسم الله الرحمن الرحيم و له الحمد . الكتابي طاهر
اذا كان طاهراً من النجاسات التي يساورها كالبول و المنى و
الدم و الخمر و غيرها - فاذا كان طاهراً من هذه نجاسات
كان سؤره طاهراً و يجوز اكل طعامه و شرابه. محسن
طباطبائي الحكيم ۱۷ صفر ۱۳۸۸

۱. تسخیری، محمد مهدی، طهارة الكتابي في فتوى السيد الحكيم، ص ۲۲، دارالاضواء بيروت، ۱۴۰۶ هـ ق.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۴

شخص کتابی پاک است در صورتی که از نجاساتی که در ارتباط با آنها است از قبیل ادرار، منی، شراب و مانند آنها پاکیزه باشد. پس هرگاه از این نجاسات پاک بود، نیم خورده وی پاک است و خوردن غذا و نوشیدنیهای او جایز است.

۷- شهید سید محمد باقر صدر (ره) ایشان در رساله فتوایی خویش بصراحت نجس نبودن اهل کتاب را مطرح کرده و نوشته است:

کل کافر نجس، و یستثنی من نجاسة الکافر قسمان من الکفار: احدهما اهل الکتاب، و هم الکفار الذین ینسبون انفسهم الی ادیانات سماویة صحیحة مبدئياً و لكنها نسخت کالیهود و النصارى بل و كذلك المجوس...^۱

هرکافری نجس است بجز دوگروه: یک: اهل کتاب یعنی کسانی که خویش را پیروان ادیان آسمانی را فسخ دانسته، گرچه به مرور زمان فسخ شده باشند، مانند یهودیان و مسیحیان و حتی مجوسیان.

اما در کتاب استدلال بحوث فی شرح عروة الوثقی مبسوط به نقل و نقد تمام دلایل قائلین به نجاست اهل کتاب پرداخته و همه آنها را نا تمام دانسته است. مهمترین دلیل قائلین به نجاست به نظر ایشان اجماع است، که آن را مختص مشرکان دانسته و بر همین اساس با استناد به روایات طهارت اهل کتاب، فتوای طهارت را انتخاب کرده است: و علیه فلا موجب لسقوط اخبار الطهارة عن الجحیة فی

۱. شهید محمد باقر صدر، الفتوی الواضحة وفقاً لمذهب اهل البيت (ع)، ج ۱، ص ۳۱۹.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۵

نفسها. و علی ضوء ذلك كله فلاحظ ان ادلة القول بالنجاسة لم يتم شيئ منها في الكتابي، و ان المتيقن من تلك الادلة اللتي عمدتها الاجماع المشرك و من يوازيه او من هو سواء منه كالملاحد و على هذا يتجه التفصيل بين المتيقن و غيره، فيحكم بالنجاسة في حدود المتيقن و يحكم بالطهارة في زاد على ذلك^۱. فما يمكن ان نستخلصه من مجموع ما تقدم سقوط الاجماع المدعى عن الحجية بالنسبة الى الكتابي و من هو من قبيله من الكفار^۲.

۸- آيت الله سيد على خامنه اي رهبر بزرگوار انقلاب اسلامي حفظه الله: ايشان در پاسخ به استفتايي در مورد اهل كتاب به طهارت آنها فتوا صادر کرده اند. متن استفتاء آنها و فتوا اين است :

سوال ۳۲۵ : بعضی فقها قائل به نجاست اهل كتاب و برخی قائل به طهارت آنها هستند، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب : نجاست ذاتی اهل كتاب ثابت نیست و به نظر ما آنها محكوم به طهارت ذاتی هستند^۳.

۹- حضرت آيت الله محمد فاضل لنکرانی از مراجع معاصر ايشان در دو مورد از رساله خویش تصريح به طهارت اهل كتاب کرده اند :

۱. بحوث في شرح عروة الوثقى، ج ۳، ص ۲۸۳.

۲. بحوث في شرح عروة الوثقى، ج ۳، ص ۲۵۵.

۳. خامنه اي، اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۹۷، انتشارات بين الملل الهدی، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ ش.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۶

مسأله ۱۰۹ - کافر یعنی کسی که معتقد به خدا نیست یا برای خدا شریک قرار می دهد، یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (ص) را قبول ندارد، نجس است. مگر اهل کتاب که پاک می باشند^۱.

مسأله ۱۱۴ : مرتد ملی باشد یا فطری نجس است، ولی اهل کتاب مانند یهود و نصاری پاک می باشند^۲.

۱۰- آیت الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع معاصر، ایشان در رساله توضیح المسائل نسبت به همه کافران اعم از اهل کتاب و مشرک- احتیاط واجب را در پرهیز از آنها دانسته و نوشته است: «بنا بر احتیاط همه کفار نجس اند^۳».

اما در تعلیقه خویش بر عروة الوثقی نظریه خویش را چنین توضیح داده است :

«لا دلیل علی نجاسة الكفار، اما الكتابی فظاهر کثیر من الروایات المعتبرة طهارتهم ذاتاً و ان نجاستهم عرضية و ظاهر بعض آیات الكتاب العزیز ایضاً ذلك. و يظهر من غیر واحد من الروایات استحباب التنزه عما فی ایدیهم اجتناباً عما یکون فیهم غالباً من النجاسات العرضية. و بها یجمع بین ما دل علی طهارة و ما يظهر منه النجاسة و وجوب

۱. لنکرانی، محمد فاضل، رساله توضیح المسائل، مسأله شماره ۱۰۹، چاپخانه مهر، قم، نوبت چاپ دهم، ۱۳۷۴.

۲. لنکرانی، محمد فاضل، رساله توضیح المسائل، مسأله شماره ۱۱۴.

۳. ناصر مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ناشر مطبوعاتی، هدف، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۷

الاجتناب...^۱»

هیچ دلیلی بر نجاست کافران وجود ندارد، اما اهل کتاب که طهارت شان روشن است، زیرا ظاهر برخی آیات شریفه قرآن و بسیاری از احادیث معتبر دلالت بر طهارت ذاتی و نجاست عرضی آنها دارد، چنانکه بعضی از روایات دلالت بر استحباب پرهیز از دست خورده های آنان می کند، تا از نجاسات عرضیه اجتناب گردد. و همین تفصیل بین طهارت و نجاست احتمالی عرضی راه جمع بین دوگونه احادیث است.

۱۱- آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری (ره) در رساله خویش نوشته است: اهل کتاب پاک اند و اجتناب از آنها مستحب است.^۲

۱۲- آیت الله سیستانی فتوا داده است که اجتناب احتیاط مستحب است: «حکم طهارت آنان دور نیست. گرچه احتیاط بهتر است.^۳»

۱۳- آیت الله شیخ جواد تبریزی می نویسد: «اما اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس... نیز بنا بر

۱. ناصر مکارم شیرازی، تعلیقات علی العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۷، منشورات امیر المومنین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ ه ق.

۲. آیت الله سبزواری، رساله توضیح المسائل ۲۸.

۳. سیستانی، رساله توضیح المسائل فارسی، ص ۲۶، قم: دفتر معظم له، چاپ بیست و چهارم ۱۴۲۶ ه ق

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۸

مشهور نجس می باشند و این قول موافق احتیاط است. ولکن بنا بر اظهر این طوایف پاک اند.^۱»

۱۴- آیت الله حسن علی منتظری، ایشان در رساله عربی خویش نجاست همه کافران اعم از اهل کتاب و مشرکان را بنا بر احتیاط واجب مطرح می کند:

اما واقع نظریه ایشان در مسأله ۱۱۲ رساله عربی و فارسی ایشان کاملاً توضیح داده شده است که نظریه جدیدی است و اندکی از فقها آن را مطرح کرده اند:

مسأله - برخی از مسائل و فروع نجاست کافر جنبه احتیاطی دارد، بلکه طهارت اهل کتاب در صورتی که از نجاسات مثل شراب و خوک و مانند آنها اجتناب کنند بعید نیست. و فلسفه و حکمت نجاست کافر با سایر نجاسات تفاوت دارد و در حقیقت نجاست کافر دستور سیاسی است از ناحیه اسلام که پیروان اسلام باید رعایت کنند و هدف از آن ایجاد تنفر عمومی است نسبت به کسانی که از جرگه مسلمین خارج اند، تا در نتیجه گرفتار عقاید و افکار فاسد آنها نشوند.^۲

۱۵- سید حسن قمی طباطبایی: ایشان علاوه بر تعلیقه بر حاشیه عروة الوثقی در رساله اش می نویسد:
« و نیز کسانی که پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء

۱. تبری، رساله توضیح المسائل، ص ۸.

۲. منتظری، رساله توضیح المسائل، ص ۲۱.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۲۹

حضرت محمد بن عبدالله (ص) را قبول ندارند، کافر و بنا بر مشهور نجس است. ولی نجاست آنها محل تأمل است. و در خصوص یهود و نصاری و مجوس احتمال پاک بودن شان قوی است.^۱»

۱۶- شیخ حسین نوری: ایشان با صراحت فتوای طهارت اهل کتاب را بدون احتیاط مطرح کرده و می نویسد: «کفاری که مانند یهود و نصاری اهل کتاب می باشند، ذاتاً پاک می باشند و تا هنگامی که علم به ملاقات بدن آنها با یکی از نجاسات که ذکر شد و می شود، حاصل نشده است، اجتناب لازم نیست.^۲»

۱. آیت الله قمی، رساله توضیح المسائل، و حاشیه بر عروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷.
۲. حسین نوری، رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۰۶.

ادله قائلین به طهارت اهل کتاب :

دلیل اول آیه:

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آنکه مهره ایشان را به ایشان بدهید، درحالی که خودپاکدامن باشید نه زناکار و نه آن که زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید. و هر به دین اسلام کافر شود عمل خود را تباه کرده، و در آخر تا زیان کاران خواهد بود.

نحوه دلالت :

با توجه به اینکه خداوند در این آیه شریفه طعام اهل کتاب را برای مومنان حلال فرموده است و لفظ طعام به شهادت کتب لغت و فهم عرف به معنی هر خوردنی می باشد و شامل غذاهای پخته شده به دست اهل کتاب است، این آیه دلالت بر حلال بودن غذای پخته شده به دست اهل کتاب برای مومنان می کند و چون شستن ظرف یا غذای پخته شده، حتی نان مخصوصاً در آن زمان معمولاً با مباشرت دست بوده است و اگر بدن اهل کتاب ذاتاً نجس شرعی باشد مطمئناً همه غذاهای پخته شده اهل کتاب برای مسلمانان مستلزم پاک دانستن آن غذاها و ظرف ها و پاک دانستن دستها و بدن آنان است.

در غیر این صورت، اگر بدن و دستهای اهل کتاب ذاتاً نجس شرعی باشد و طبعاً ظرفهای غذا و تمام غذاهای پخته شده آنان نجس باشد، دیگر تشریح حلیت طعام و غذای اهل کتاب برای اهل ایمان لغو و بدون فایده مهم خواهد بود، زیرا از ظاهر این آیه شریفه این چنین بر می آید که غرض از این تشریح امکان بهره مندی مسلمانان از غذاهای اهل کتاب و تسهیل امر بر مسلمانان به سبب رفت و آمد و معاشرت با یهودیان و مسیحیان و نیز امتیاز دادن به پیروان ادیان آسمانی نسبت به مشرکان و بت پرستان است.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۲

دلیل دوم : احادیث :

۱- صحیح عیص بن قاسم: سألت ابا عبد الله (ع) عن مؤاکلة اليهودی و النصرانی و المجوسی، فقال: اذا كان من طعامک و توضأ فلا بأس^۱.

عیص بن قاسم می گوید: از امام صادق (ع) حکم هم غذایی با یهودی و نصرانی و مجوسی را پرسیدم، حضرت فرمود: اگر غذای خودت باشد و او دستش را بشوید عیبی ندارد.

نحوه دلالت :

دستور شستن دستها برای تطهیر است و نجاست ذاتی با تطهیر منافات دارد، زیرا اگر تطهیر دست فرد کتابی ممکن باشد لازمه اش نجس نبودن ذاتی آنها است .

۲- صحیحة اسماعیل بن جابر، قال: قلت لابی عبد الله (ع) ما تقول فی طعام اهل الکتاب؟ فقال: لا تأ کله، ثم سکت هنیة ثم قال لا تأ کله ثم سکت هنیة ثم قال لا تأ کله و لاترکه تقول انه حرام، و لکن تتزّه عنه، ان فی آئیتهم الخمر و لحم الخنزیر^۲.

اسماعیل فرزند جابر می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: نظرتان درباره غذای اهل کتاب چیست؟ فرمود

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۸۴، باب ۵۳، من ابواب الاطعمة و الاشریة

۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۸۵، باب ۵۳، من ابواب الاطعمة و الاشریة.

فصل دوم: حکم نماز نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۳

نخور، آنگاه حضرت اندکی ساکت شد و فرمود: نخور، بار دیگر پس از سکوت فرمود: نخور، البته آن را ترک مکن به این عنوان که بگویی حرام است، اما برای منزه پاکیزگی از آن غذای ایشان را ترک کن. چراکه ظرفهای آنان آلوده به شراب و گوشت خوک است.

نحوه دلالت :

چنانکه مؤلف کتاب پر ارج معالم الاصول از پدر بزرگوارش شهید ثانی نقل کرده است،^۱ تعلیل اجتناب به آلودگی به شراب و گوشت خوک خود دلیل بر طهارت ذاتی اهل کتاب است، علاوه بر اینکه اجتناب لازم و واجب هم نیست نهی از خوردن غذای آنان به تصریح حدیث نهی تنزهی است.

۳- صحیح ابراهیم بن ابی محمد: قلت للرضا(ع): الجارية النصرانية تخدمک و انت تعلم انها نصرانية، لا تتوضأ و لا تغتسل من جنابة؟ قال: لا بأس، تغتسل ידיها.^۲

ابراهیم فرزند ابی محمد می گوید: به امام رضا(ع) عرض کردم کنیز نصرانی خدمتگذار شماست، شما می دانید که او نصرانی است، نه وضو می گیرد و نه غسل جنابت می کند فرمود: عیبی ندارد چون دستهایش را می شوید.

۱. بحرینی، یوسف، حدائق الناضرة الحدائق، ج ۵، ۱۷۰.

۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۲، باب ۱۴ من ابواب النجاسات.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۴

نحوه دلالت :

اگر آن کنیز نصرانیة ذاتاً نجس باشد، شستن دستهای وی هیچ نقش و اثری جز سرات نجاست او به وسایل زندگی امام(ع) نخواهد داشت، پس مفید بودن شستن دستها نشانه طهارت ذاتی بدن وی است.

۴- صحیحة ابراهیم بن ابی محمود: قلت للرضا(ع) الخياط و القصار یكون یهودياً او نصرانیا و انت تعلم ان یبول و لا یتوضأ، ما تقول فی عمله؟ قال: لا بأس^۱.

ابراهیم می گوید به امام رضا(ع) عرض کردم نظرتان در باره کار خیاط و کسی که لباسها را رنگ می کند اما یهودی یا نصرانی است ، چیست ؟ و می دانید که بول می کند و وضو نمی گیرد (استنجا نمی کند). فرمود : عیبی ندارد.

نحوه دلالت :

چنانکه آیت الله خویی(ره) فرموده است^۲ از مثال خیاط نتوان طهارت ذاتی اهل کتاب را استفاده نمود ، زیرا اگر چه وی ذاتاً نجس باشد، لباسی را که او می دوزد محکوم به نجاست نیست و غالباً دست تر او به پارچه اصابت نمی کند، اما مثال رنگ زن که حتماً دست او بارها به پارچه اصابت می کند دلالت بر طهارت ذاتی اهل کتاب دارد .

۱. کاشانی، ملا محسن، الوافی ، ج ۱، ص ۳۳، باب التطهیر من مس الحيوانات.

۲. خویی، سید ابوالقاسم، التنقیح، ج ۲، ص ۵۱، چاپ سوم، ۱۴۱۰ ه ق.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۵

۵- محمد بن مسلم، قال سألت ابا جعفر (ع) عن آنية اهل الذمة و المجوس، فقال: لا تأكلوا في آنيتهم و لا من طعامهم الذي يطبخون و لا في آنيتهم التي يشربون فيها الخمر^۱.

محمد بن مسلم از امام باقر (ع) حکم استفاده از ظرفهای اهل ذمه و مجوسی را می پرسد، حضرت فرمود: در ظرفهای آنها و از غذایی که آنها می پزند مخورید و همچنین در ظرفهایی که آنان در آن شراب می نوشند.

نحوه دلالت :

مقید کردن ظرفهای حرام به ظرفهایی که آنها در آن شراب می نوشند، خود شاهد اعتقاد حضرت به پاکی بقیه ظرفهای اهل کتاب و دستها و بدن آنان است. چنانکه حضرت از خوردن غذاهایی که خود آنان می پزند به سبب اینکه غالباً آمیخته با گوشت حیوانات است که ذبح شرعی نشده یا از بقیه محرّمات است منع فرمودند.

۶- محمد بن مسلم عن احدهما (ع): سألته عن آنية اهل الكتاب ؟ فقال: لا تأكل في آنيتهم اذا كانوا يأكلون فيه الميتة و الدم و لحم الخنزير...^۲

محمد بن مسلم می گوید: حکم استفاده از ظرفهای اهل کتاب را از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) پرسیدم

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۸۵، باب ۵۴، من ابواب اطعمة و الاشرية.

۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۵۸، باب اطعمة و اشرية.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۶

حضرت فرمود: در ظرفهای آنان که در آن میتة و خون و
خوشت خوک می خوردند چیزی مخور. دلالت این حدیث
روشن تر از حدیث قبلی بر طهارت بقیه ظرفهای اهل کتاب
و طهارت ذاتی آنان است.

۷- روایات دلالت کننده بر جواز غسل مرد مسلمان
به دست مرد مسیحی یا زن مسلمان از سوی زن
مسیحی، مثل: فان مات رجل مسلم و لیس معه رجل
مسلم و لا المرأة مسلمة من ذوی قرابته و معه رجل
نصاری و نساء مسلمات لیس بینہ و بینهن قرابة؟ قال:
یغتسل الصاری و یغسلونه فقد اضطر و عن المرأة
المسلمة و تموت و لیس معها امرأة مسلمة و لارجل
من ذوی قرابتها و معها نصرانیة و رجال
مسلمون (لیس بینها و بینهم قرابة)؟ قال تغتسل
النصرانیة ثم تغتسلها^۱.

عمار فرزند موسی می گوید: به امام صادق (ع) عرض
کردم: اگر مرد مسلمانی بمیرد و هیچ مرد مسلمان و زن محرم
مسلمان با او نباشد اما مردان نصرانی و زنان مسلمان و
نامحرم با او باشند (نسبت به غسل وی چه کاری باید انجام
گیرد)؟ حضرت فرمود: آن مرد نصاری خود غسل می کند و
سپس وی را غسل می دهد. پرسیدم اگر یک زن مسلمان
بمیرد و زنان مسلمان یا مرد مسلمان محرم با او نباشد ولی
زن نصرانی و مردان مسلمان نامحرم با او هستند، چه کنند
؟ فرمود: آن زن نصرانی غسل می کند و سپس وی را غسل

۱. حرعالمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۷۰۶، باب ۱۹ من ابواب غسل میت.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۷

می دهد.

دلالت این حدیث و امثال آن که مورد عمل و فتوا و قبول بسیاری از فقها قرار گرفته است بر طهارت ذاتی اهل کتاب روشن است، زیرا اگر مرد و زن نصرانی نجس العین باشند غسل دادن میت به دست وی جز بر نجس شدنش نخواهد افزود.

۷- احادیثی که تجویز کننده ازدواج با اهل کتاب است، از قبیل:

عن معاوية بن وهب جميعاً عن ابي عبدالله (ع) في رجل المؤمن يتزوج اليهودية و النصرانية، فقال : اذا اصاب المسلمة فما يصنع باليهودية و النصرانية ؟ فقلت له: يكون له فيها هوى. قال: ان فعل فليمنعها من شرب الخمر و اكل لحم الخنزير!

معاوية فرزند وهب از امام صادق (ع) در باره مرد مؤمنی سوال کرد که با زن یهودی و نصرانی ازدواج کرده است، حضرت فرمود: وقتی به زن مسلمان دسترسی دارد چرا زن یهودی و نصرانی می گیرد؟ به حضرت عرض کردم: عشق و علاقه ای به او دارد. حضرت فرمود: اگر ازدواج کرده است پس باید وی را از نوشیدن شراب و خوردن گوشت خوک منع کند.

۱. حرعالمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱۲، باب ۲.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۸

نحوه دلالت :

اجازه ازدواج با اهل کتاب و معاشرت شبانه روزی مرد مسلمان با وی در همه حالات و ارتباط مستمر با بدن و دست مرطوب او اصابت دست تر وی به همه اثاث زندگی فرد مؤمن چگونه با نجاست عینی بدن وی سازگار است؟

قاعده و اصل عملی در مساله:

اگر در مساله مورد بحث دلیلی بر طهارت و نجاست کفار یافتیم، مدلول آن دلیل متبع است لکن در صورتی که دلیل محکی بر هیچ طرف نیافتیم می باید طبق قاعده طهارت که از اصول مسلم در شبهات موضوعیه و حکمیه می باشد، حکم به طهارت آنان کنیم.

دلیل سوّم: قاعده طهارت

قاعده طهارت از جمله قواعد مسلم فقه است و مهمترین سند آن موثقه عمار است.

عن عمار، عن ابی عبدالله علیه السلام (فی حدیث) قال: کل شیء نظیف حتی تعلم انه قدر، فاذا علمت فقد قدر و ما لم تعلم فلیس علیک^۱.

در این روایت امام صادق (ع) فرمود: هر چیز پاک و طاهر است مگر اینکه علم به نجاست آن

۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲ ص ۱۰۵۴.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۳۹

حاصل شود پس هرگاه علم به قذارت و نجس بودن آن پیدا کردی، آن چیز نجس است و مادامی که علم به که علم به نجاست آن پیدا نکردی، چیزی بر تو نمی باشد.

عموم فقها از این احادیث شریف، استفاده اطلاق کرده و آن را در شبهات حکمیه و موضوعیه جاری دانسته اند صاحب حدائق در این حکم ادعای اجماع نموده است.^۱

آیه الله مکارم شیرازی می فرماید برای اثبات این قاعده موثقه عمار کافی است، زیرا هم سند روایت معتبر است و هم اصحاب به آن عمل کرده اند.^۲

بیان قاعده طهارت:

فقها، در شبهات موضوعیه و حکمیه از این قاعده استفاده کرده اند، مثلا اگر قائل شویم که عصیر عنبی با غلیان نجس می شود آنگاه شک کنیم در این که آیا عصیر غلیان کرده است یا خیر و حالت سابقه این درمیان نباشد در نتیجه شک کنیم در طهارت یا نجاست عصیر طبق قاعده طهارت. حکم به طهارت می شود این مثال جریان قاعده در شبه موضوعیه ای است.

همچنین قاعده در شبهات حکمیه نیز جاری می شود، مثل اینکه حیوانی از دو حیوان طاهر

۱. بحرانی شیخ یوسف، الدائق النصره فی احکام العترة الطاهرة ج ۱ ص ۳۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر القواعد الفقهیه، ج ۲، چ دوم ص ۴۱۸، چاپ دوم.

فصل دوم: حکم کفار از نظر طهارت و نجاست..... ۱۴۰

العین و نجس العین متولد شود و هیچ یک از دو عنوان طاهرالعین و نجس العین بر آن صدق نکند در نتیجه شک شود در طهارت و نجاست آن حیوان متولد شده، به مقتضای قاعده طهارت، در اینجا هم حکم به طهارت می شود.

در ما نحن فیه هم که شک داریم در طهارت و نجاست کافران، طبق روایت شریف «کل شئی نظیف حتی تعلم انه قذر، فاذا علمت فقد قذر و ما لم تعلم فلیس علیک» مادامی که دلیلی بر نجاست آنان نیابیم حکم به طهارت می شود.

کلام خاتمه ، جمع‌بندی و نتیجه گیری:

در پایان می خواهیم به چند نکته مهم، که در طول نوشتن این تحقیق، به دست آمده اشاره کنیم.

۱. قرآن کریم مفهوم کفر را بمعنای انکار اصول دین، انکار توحید و یگانگی خدا، انکار رسالت حضرت محمد(ص) انکار طاغوت، کفران نعمت، ترک فرائض و وظائف دینی، ارتکاب معصیت، بیزاری و برائت و کشاوری بیان کرده است.

۲. در کلام معصوم مفهوم کفر بمعنای " کفر جحود به معنای انکار ربوبیت خدا وند، معنای دیگر انکار آگاهانه است، کفران نعمت، ترک آن چه را که خداوند بدان امر کرده، برائت و بیزاری ذکر شده است.

۳. مفهوم کفر و کافر در اصطلاح فقه شیعه، بمعنای منکران خداوند مادیون، مشرکان، پیروان دیگر ادیان آسمانی مثل اهل کتاب، منکران ضروریات دین و منکران امامت ذکر شده است.

۴. اقسام کافر و افراد ملحق به آن عبارت اند از: مادیون، مشرکین، اهل کتاب، فرقه های محکوم به کفر.

۵. معنای شرک از نظر لغت شناسان.

۶. اقسام و مراتب مختلف شرک در قرآن و روایات عبارت است از: شرک در آفرینش، شرک در ربوبیت و تدبیر، شرک در عبادت، شرک در نیت و شرک در اطاعت.

۷. کفاری که نجاست آنها قطعی است عبارت اند از: مشرکان، ملحدین، ماتریالیست ها، زنادقه و منکرین اصل دین یا خدا، نواصب . و ادله آن عبارت است از: ادله قرآنی، دلالت روایات و دلیل اجماع بر نجاست آنها.

۸. کفاری که نجاست آنها اختلافی است عبارت اند از: اهل کتاب. فتاوا و نظریات فقیهان شیعه درباره اهل کتاب. گروهی از فقها قائل به نجاست اهل کتاب شده اند. دلایل قائلین به نجاست اهل کتاب: دلیل اول آیات، دلیل دوم روایات، دلیل سوم اجماع.

۹. فقهای قائلین به طهارت اهل کتاب. گروهی از فقها قائل به طهارت اهل کتاب شده اند.

ادله قائلین به طهارت اهل کتاب. دلیل اول آیه، دلیل دوم روایات و دلیل سوم قاعده طهارت است.

منابع:

قرآن کریم.

۱. انصاری، شیخ مرتضی، الطہارۃ، چاپخانہ اللہ قلیخان، ۱۲۹۸، کتابخانہ تخصصی فقہ و اصول.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، بن ذکریا، معجم المقایس الغۃ، مرکز نشر مکتب الاعلام اسلامیہ، قم، ۱۴۰۴ هـ ق.
۳. ابن منظور، ابولفضل جمالالدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ ق.
۴. اصفہانی، محمد بن حسن (فاضل ہندی)، کشف الثام، موسسہ نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ ق.
۵. بحرینی، یوسف، حدائق الناضرة، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۳۷۸ هـ ق. (معلقہ محمد تقی ایروانی).
۶. بغدادی، (شیخ مفید) ابی عبداللہ محمد بن نعمان، المقنعة، موسسہ نشر اسلامی، قم، چاپ چہارم، ۱۴۱۷ هـ ق.
۷. تسخیری، محمد مہدی، طہارۃ الکتابی فی فتوی السید الحکیم، دارالاضواء بیروت، ۱۴۰۶ هـ ق.
۸. جوہری، اسماعیل بن حماد، صحاح فی الغۃ، دارالعلم للملایین، بیروت، لبنان، چاپ چہارم، ۱۴۰۷ هـ ق، ۱۹۸۷ م.
۹. جوزی، ابن قیم، احکام اهل الذمہ، دارالکتب العلمیہ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۵۰ هـ ق.
۱۰. حکیم، سید محسن مستمسک العروة الوثقی، قم، مکتبۃ آیۃ اللہ مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسۃ آل البيت، چاپ اول ۱۴۰۹ هـ ق.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف، بن علی، تذکرۃ الفقہا، موسسہ آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ ق.
۱۳. حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامہ، موسسہ

- فقہ شیعہ، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ھ ق.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، تقریر میرزا علی غروی چاپ سوم، ۱۴۱۰ھ ق، ج ۲، ص ۴۳
۱۵. خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل، ناشر کانون انتشارات محراب، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
۱۶. خمینی، سید محمد حسن بنی هاشم، توضیح المسائل مراجع عظام، دفتر انتشارات اسلامی، زمستان، ۱۳۷۷ش.
۱۷. خمینی، سید روح الله، الطهارة، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی جا، چاپ اول ۱۴۱۲ھ ق.
۱۸. خامنه ای، سیدعلی، اجوبة الاستفادات، انتشارات بین الملل الهدی، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ش.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، از دوره جدید ۱۳۷۷ش
۲۰. راغب اصفهانی، محمد محمدحسین، المفردات فی غریب القرآن، ناشر ذوی القربی، تاریخ ۱۴۲۶ھ ق. ۱۳۸۴ھ ش، باپ پنجم
۲۱. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، منشورات دارالمکتبه الحیاء، بیروت، بی تا
۲۲. سیستانی، علی حسینی، توضیح المسائل فارسی، قم: دفتر معظم له، چاپ بیست و چهارم ۱۳۲۶ھ ق.
۲۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، المکتبة المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ دوم، بی تا.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین شرح لمعه ناشر مجمع الفکر السلامی المطبعه، ظهور قم.
۲۵. شهرستانی، محمد بن عبدالحکیم، ملل و نحل، مکتبه الحسین، التجاریة، مصر، چاپ اول، ۱۴۶۸ھ ق.
۲۶. شهید صدر، محمد باقر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، مجمع شهید صدر ۱۴۰۸ھ ق.
۲۷. طباطبایی، سیدعلی، ریاض المسائل، موسسه آل لبیت، چاپ اول، ۱۴۸ھ ق

۲۸. طباطبائی، یزدی، محمد کاظم، عروة الوثقی، الدار لاسلامیہ، بیروت، چاپ اول ۱۴۱۰ھ ق. ۱۹۹۰م.
۲۹. علامہ حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطہر، النہایۃ الاحکام فی معرفۃ الاحکام، موسسہ انصاریان، قم چاپ دوم، ۱۴۱۰ھ ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تہران: دار الکتب الاسلامیۃ، چاپ اول ۱۳۶۲.
۳۱. لنکرانی، محمد فاضل، رسالہ توضیح المسائل، چاپخانہ مہر، قم، نوبت چاپ دہم، ۱۳۷۴.
۳۲. لنکرانی، محمد فاضل، تفصیل الشریعۃ، احکام نجاسات، چاپ اول، چاپخانہ علمیہ، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، توضیح المسائل، ناشر مطبوعاتی، ہدف، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
۳۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ ہفتم، بیروت، دار احیاء التراث.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، مکارم شیرازی، ت، انتشار ۱۳۸۶ ش، ناشر: دار الکتب اسلامیہ، تہران بازار سلطانی ۹۹.
۳۶. نوری، محدث، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسۃ آل البیت، چاپ اول ۱۴۰۸ھ ق.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تعلیقات علی العروۃ الوثقی، منشورات امیر المومنین، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ھ ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقہیہ، ج ۲، چاپ دوم.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسۃ الوفاء، ۱۴۰۴ھ ق.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونہ، تہران: دار الکتب الاسلامیۃ، چاپ سی و یکم ۱۳۸۶.
۴۱. محقق حلی، ابوالقاسم، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ھ ق...
۴۲. مرورید، علی اصغر، سلسلۃ الینابیع الفقہیۃ، چاپ اول،

مناہج و ماخذ ۱۴۶

موسسه فقه الشيعه، الدار الاسلاميه، بيروت، لبنان ۱۴۱۰ ۱۹۹۰ م.
۴۳. مرتضى، على بن حسين، الانتصار، انتشارات اسلامى وابسته به
جامعة المدرسين، قم، ۱۴۱۵ هـ.
۴۴. موسوى، خوئى، سيد ابوالقاسم، توضيح المسائل، ناشر دارالكتب
العلميه، نجف اشرف، ۱۳۸۴ هـ.



Hukm-e-Kuffar az nazar e Taharat-o-Nijasat

Author

Syed Razi Zaidi

Review

Syed Ghafir Rizvi Chhauhsi